

ما ایران را آزاد خواهیم کرد

ایران آزاد

ارگان جبهه ملی ایران (هلند)

سال سیزدهم شماره ۱۴۸ فروردین ۱۴۰۴



آیت‌الله منتظری در فایل نخست هم گفته بود که وزارت اطلاعات و احمد خمینی از دو سه سال پیش از تابستان ۱۳۶۷ دنبال بهانه‌ای برای اعدام مخالفان سیاسی بودند.

نمایه

نگارنده	نهبشته	برگه
جبهه ملی ایران	بحران سازی در ارومیه، از ناکارآمدی تا غرض ورزی حکومت	۳
جبهه ملی ایران	سالروز ملی کردن نفت و جشن نوروز را به ملت بزرگ ایران تبریک می گوئیم	۵
شورای حقوق بشر	تمدید مأموریت مای ساتو و کمیته حقیقت یاب اعتراضات ایران	۶
	نیم دهه در بند؛ ادامه حبس علی یونسی و امیرحسین مرادی، دو دانشجوی نخبه	۷
امید منتظری و فرزاد صیفی کاران	انتشار فایل صوتی دومین جلسه آیت الله منتظری با هیئت اعدام‌های ۱۳۶۷	۹
دکتر اسماعیل نوری علا	شعر—نامه	۱۶
ناخدا محمد فارسی	نگاهی به صف آراییی نظامی ایران با آمریکا علی الرغم مذاکرات اتمی	۱۷
ریحانه مقدم	مادلن ریفو، شاعر سنگرها	۲۰
نیکلاس بکلین برگردان: هامون نیشابوری	حقوق بشر در آستانه	۲۱
نعیمه دوستدار	عصر پسا حقیقت: وقتی حقیقت در جنگ روایت‌ها گم می شود	۲۵
نویسنده، پالاب گوش شغل، خبرنگار علمی، بی بی سی	« انرژئی تاریک » و کشفی که می تواند نظریه اینشتین را به چالش بکشد	۲۸
		۳۰

www.jebhemelli.org

post4iraneazad@gmail.com

آدرس ایمیلی:

www.jebhemelli.org

جبهه ملی ایران-هلند بر روی شبکه اینترنت

بحران سازی در ارومیه، از ناکار آمدی تا غرض ورزی حکومت



در این میان تصویر نادر قاضی پور (نماینده اسبق ارومیه) در تجمع ارومیه جلب توجه کرده است

به گواه تاریخ، در گستره ی تمدنی ایران، برگزاری جشن ها از جایگاهی ویژه برخوردار بوده ، و در همراه اقلا یک جشن، در روزی که نامش هم نام آن ماه بوده ، برگزار می گردیده است. از دیگر سوی در پیوند فرهنگ و طبیعت، کهن جشن و آیین نوروز می شکوفد، که همراه آن بهار طبیعت با آغازی نو در زندگی بشر رقم می خورد و نمادهای طبیعت در بستری فرهنگی بازتابگر پیام های ژرف اندیشه ورزانه می گردند و نوید آغازی نوین را می سرایند. از ویژگی های مهم این جشن آن است که به سراسر جامعه تعلق دارد و هیچ گروه و نهادی در آن برتری ندارد، چنان که اندیشمندان صاحب نظر، این جشن را تجلی آزادی، فرا روی از محدودیت ها و همبستگی اجتماعی خوانده اند.

اما دریغا و دردا که کاربردستان ناشایست و ناآگاه در جمهوری اسلامی دهه هاست، که با اندیشه هایی فرهنگ ستیز و واپسگرا، با شادمانی جمعی و نماد های ملی به گونه هایی نادرست برخورد کرده اند، که شاهد یکی از نتایج تاسف بار آن در رخدادهای اخیر ارومیه بوده ایم. نخست آن که نوروز به هیچ صنف و طبقه و گروهی تعلق ندارد و شهروندان ایران همگی آزادند بر اساس سنت مالوف خود به نکوداشت آن بپردازند. دوم آن که جشن در خدمت همبستگی و همدلی هاست، از خانواده تا عرصه ی ملی.

طبیعتا آیین ها و مراسم آن ها، روح فرهنگ خاستگاهشان را با خویش دارند. فرهنگ ایران در تاریخ باستان، که نوروز از آنجا سرچشمه می گیرد، منادی احترام به حقوق انسان ها و ترویج مهر بوده است. عظمت این جشن آن گونه است، که نژادپرست خودکامه ی متجاوزی چون اردوغان مدعی این کهن جشن می شود و بی شرمانه دروغ پرداز پدرانگی برای تبریز می گردد. او از ضعف های ساختار سیاسی جمهوری آذربایجان و بحران سوریه نهایت سوء استفاده را برای مداخله جویی و پیگیری توهم

ایران به ارمغان آورده است و نمادی کم مانند برای تکترگرایی فرهنگی و دینی بوده و بازتابگر روا داری و مدارای فرهنگی به شمار می رفته است. نماد این فرهنگ هرگز گرگی و درنده خوبی نبوده است، خداوندان سخن در تاریخ این حوزه ی تمدنی بوده اند، که کلام آفریده اند و چون سخن داشته اند و گرگ صفت نبوده اند، زوزه گرگ نکشیده اند. این جاهل خائن سال ها صاحب مسند و قدرت و امکانات از بیت المال این مملکت بوده است. شورای انتصابی نگهبان که شریف ترین و فاضل تری فرزندان ایران را از شرکت در انتخابات به پشتوانه ی قدرتی نامردمی قریب چهاردهه محروم ساخته است، چنین کسی را در انتصابات فرمایشی به مجلس می برده است، تا برای کشور با چنین پیشینه و اعتباری قانون گذاری کند.

احیای آرمان پانتورانیسم فاشیست های ترک در دیگر کشورها انجام داده است. وی در جنگ 44 روزه قره باغ در سال 2020 و بحران دالان زنگزور، اندیشه های خطرناک نژاد پرستانه ی خود را، که الهام گرفته از اندیشه هایی است که در سال های 1915 تا 1917 به نسل کشی ارمنه انجامید، به نمایش گذاشت.

افسوس بسیار که فردی بی مایه در تفکر اجتماعی و فاقد حد اقل توان اندیشیدن که نماینده مجلس فرمایشی اسلامی بوده ، با اوباشیگری و لات مسلکی، به بهانه ی مراسم عزاداری با گروهی دیگر از صاحب منصبان جاهل و خائن، در آغاز عید نوروز فاجعه ای را رقم زد، که دشمنان این ملک و ملت از انجامش ناتوان بودند.

او گویا در قامت نماینده ی گرگ های خاکستری و فاشیست های نوین حزب حرکت ملی ترکیه، بساط کشیدن زوزه گرگ را در شهر فرهنگ پرور ارومیه به راه می اندازد و فریب خوردگان ناآگاهی را با خویش همراه می سازد، آن هم در شهری که در طول تاریخ افتخارات بزرگی را برای

فعالیتش حمله فیزیکی به خبرنگار در مجلس و سر دادن شعارهای مبتذل بوده است. هرچند رخداد پایان اسفند در ارومیه از جهت طرح برخی شعارها قابل نقد باشد، اما واکنشی فاشیستی به بهانه مذهب بالاترین خیانتی است که می توانست توسط کسانی چون آن عمال لمپن وابسته به حکومت صورت گیرد، و جالب تر آن که در حاشیه امن سیاسی قرار داشته باشند. رد پای حکومت، از در دست گرفتن باشگاه هایی توسط مقامات نظامی پیشین تا برگزاری چنین مراسمی، برای تنش آفرینی در مناطق مختلف ایران، قابل تامل و توجه است. در زمانه ای که حاکمیت بی کفایت از عهده ی ساده ترین امور مملکت داری بر نمی آید و فقر گسترده بر ملت تحمیل شده است و عوارضی چون نا امنی و سقوط رفاه حداقلی خانواده ها را در پی دارد و آزادی های مشروع سرکوب می شود و چهره های آزادیخواه و میهن گرا زیر فشار سنگین بوده یا در زندان به سر

می برند و در عرصه ی بین الملل اعتبار ایران مخدوش گردیده، حاکمان نابخرد نه تنها سرمایه ملی و اعتبار کشور را برای ماجراجویی هایی جاهلانه و خائنه به باد فنا سپرده اند، بلکه با عدم اتخاذ دیپلماسی مبتنی بر منافع ملی، کشور را در بحران های خانمانسوزی گرفتار ساخته اند.

جبهه ی ملی ایران در این شرایط، همبستگی ملی و هم اندیشی و هم کوشی اندیشمندان و گروه ها و اقشار مختلف ملت را ضرورتی تاریخی می داند، تا دوشادوش یکدیگر بدون هیچ تبعیضی با هر آیین و فرهنگ و پیشینه ای، به عنوان شهروندان محق این آب و خاک، در برابر استبداد و خودکامگی داخلی و نیز سلطه جویی برخی کشورهای تعدی طلب بایستند. این ایستادگی شهروند-محور مستبدان خودکامه را به وحشت می افکند، چرا که حکومت در برابر آنان مکلف به ادای حقوق شهروندیشان است، که مهمترینش

نقش آفرینی مستقیم در سرنوشت سیاسی کشور است و صاحبان قدرت نامشروع با چنین جریان سازی هایی سعی در مخدوش سازی این حرکت ملی دارند، اما به یقین شهروندان آزاده ی این سرزمین، هوشمندانه و مسئولانه برای استقرار حاکمیت ملت می کوشند، دیگر سان بودن آداب و سنن یکدیگر را به رسمیت می شناسند و تعامل بین فرهنگی را موجب شکوفایی و پویایی کشور بر می شمردند، با درک و احترام متقابل و برابر، از حذف دیگری و از هم گریزی اجتناب می ورزند، در عین حال که دیگری فرهنگی را جایگاهی ارزنده می بخشند.

هیات رهبری اجرائی جبهه ملی ایران
تهران - هفتم فروردین ماه ۱۴۰۴

دیدار نوروزی

اعضای شورای مرکزی جبهه ملی ایران، در روز پنجشنبه ۲۱ فروردین ماه ۱۴۰۴ از ساعت ۱۷ الی ۲۰ در یک سالن اجتماعات، برگزار شد. مراسم با پخش سرود جبهه ملی ایران آغاز شد. آنگاه صدای دکتر محمد مصدق مربوط به

پیام نوروزی سال ۱۳۳۱ و پیامی از شهید دکتر حسین فاطمی پخش گردید. سپس خانمها مینو مرتضایی لنگرودی (فعال سیاسی و مدافع حقوق زنان) و نسرين ستوده (وکيل زندانيان سياسي و مدافع ديريای حقوق بشر) و آقایان دکتر محسن فرشاد (عضو هیات رهبری اجرائی و سخنگوی جبهه ملی ایران)، دکتر شاهین سپنتا (عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران)، علی حجازی یزدی (پژوهشگر فلسفه و از علاقه مندان نهضت ملی ایران)، علی نظری کاکوندی (شاعر پیرو راه دکتر مصدق)



فیلم کامل مراسم بزودی در رسانه های جبهه ملی ایران منتشر خواهد گردید. روابط عمومی جبهه ملی ایران
تهران - ۲۲ فروردین ۱۴۰۴

و دکتر حسین موسویان (رئیس شورای مرکزی جبهه ملی ایران) سخنانی پیرامون جشن نوروز و مسائل روز کشور ایراد کردند. در طول برنامه قطعاتی از موسیقی ایرانی با خوانندگی هنرمند میهن دوست آقای علیرضا فریدون پور اجراء شد. در این مراسم علاوه بر اعضای شورای مرکزی و کادرهای تشکیلاتی جبهه ملی ایران، عده ای از شخصیت های ملی و سران احزاب جمعیت های ملی و سیاسی حضور داشتند. مراسم با پخش سرود «ای ایران» و با هم خوانی حاضران پایان پذیرفت.

سالروز ملی کردن نفت و جشن

نوروز را به ملت بزرگ ایران

تبریک می گوئیم

آستانه نوروز، در سراسر کشور، با برپا کردن جشن های شادی و سرور در خیابان ها و میادین، به این آئین ملی اهمیت داده و همبستگی ملی خود را به نمایش می گذارند.

جبهه ملی ایران، روز تاریخی ملی شدن نفت و جشن باستانی نوروز را به هموطنان عزیز تبریک گفته و امید دارد که در سال جدید، ملت بزرگ ایران بتواند بحران های مختلف کنونی مانند در خطر قرار گرفتن امنیت ملی کشور، پامال شدن حقوق و آزادی های سیاسی و اجتماعی ملت ایران، گرانی و تورم طاقت فرسا، فقر و بیکاری فزاینده، فرار بی سابقه جوانان و اقشار مختلف مردم از کشور، تخریب محیط زیست و فساد گسترده و چپاول اموال عمومی توسط وابستگان به مراکز قدرت را پشت سر گذاشته و با کسب آزادی و استقلال و استقرار حاکمیت ملی به رفاه و سعادت و توسعه و بالندگی دست یابد.

شورای مرکزی جبهه ملی ایران

تهران - ۲۹ اسفند ماه ۱۴۰۲

دکتر محمد مصدق موفق شدند با پشتیبانی قاطع و قیام ملت ایران، قانون ملی شدن نفت را در تاریخ ۲۴ اسفندماه ۱۳۲۹ به تصویب آن مجلس برسانند و در روز ۲۹ اسفند همان سال قانون ملی شدن نفت از تصویب مجلس سنا هم گذشته و نهایی گردید و روز ۲۹ اسفند به نام روز ملی شدن نفت، درست یک روز قبل از جشن باستانی نوروز، در تاریخ ایران رقم خورد. ملی شدن نفت فقط جهت استیفای حقوق مادی ملت ایران نبود بلکه در اصل حفظ استقلال کشور و پایان دادن به سلطه ی یک دولت بیگانه بر میهنمان را مد نظر داشت.

جشن نوروز در طول تاریخ چند هزار ساله ی وطن ما با همه ی آداب و سنن زیبایش همواره بر قرار بوده و یکی از نشانه های فرهنگ و تمدن کهن این سرزمین است. تهاجم و حملات بیگانگانی چون یونانیان، اعراب و مغولان هرگز نتوانست جشن نوروز را از تاریخ ما بزدايد یا حتی آن را کم رنگ نماید. انتخاب اولین روز بهار در هنگام پشت سر گذاشتن فصل سرما و مرگ موقت طبیعت، همراه با سبز شدن دشت و دمن و در آغاز ظاهر شدن شکوفه های رنگارنگ زیبا، در باغ و بوستان نشانه ی حسن انتخاب و درایت و عقلانیت نیاکان خردمند ما ایرانیان است. کوروش بزرگ در ۵۲۸ سال قبل از میلاد، نوروز را به عنوان جشن ملی اعلام کرد. و اکنون برای ما ایرانیان موجب نهایت مباهات و افتخار است که «روز بین المللی نوروز» توسط یونسکو به عنوان میراث فرهنگی و معنوی بشر به ثبت رسیده است. خوشبختانه ایرانیان هم در

در سال ۱۳۸۰ خورشیدی، پنج سال قبل از انقلاب مشروطیت، مظفرالدین شاه قاجار، قرار دادی با یک تبعه دولت انگلیس به نام «ویلیام ناکس دارسی» منعقد کرد. به موجب این قرار داد تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره برداری نفت در سراسر ایران به جز پنج استان شمالی کشور در مقابل مبالغی نا چیز برای مدت شصت سال در اختیار «دارسی» قرار گرفت. وقتی معادن عظیم نفتی ایران به بهره برداری رسید، فقط مالیاتی که «دارسی» از سود خود باید به کشور متبوعش، انگلستان پرداخت می کرد، چنان در حرکت چرخ های اقتصادی کشور انگلیس اثر گذاشت، که دولت انگلیس را ترغیب نمود تا راسا اکثر سهام شرکت «دارسی» را خریداری نموده و عملا ذخایر نفتی ایران را در اختیار بگیرد. شرکت نفت انگلیسی برای غارت منابع نفتی ایران، بر تمام شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران چنگ انداخت و در عمل استقلال کشور ما را نیز زیر سلطه ی خود در آورد. در سال ۱۳۱۲، زمانی که ۲۲ سال از مدت اعتبار شصت ساله قرار داد ذلت بار «دارسی» و غارت منابع نفتی ایران سپری شده بود، رضا شاه پهلوی در ظاهر به عنوان مخالفت با قرارداد «دارسی»، آن را لغو کرد، ولی بلا فاصله با تغییر اندک، قرار داد جدیدی را با شرکت نفت انگلیسی، باز هم برای مدت شصت سال امضاء کرد. یعنی در عمل، مدت ۲۲ سال بر تداوم قرار داد ننگین «دارسی» افزود. در سال ۱۳۲۹ نمایندگان جبهه ملی ایران در مجلس شانزدهم به رهبری

شورای حقوق بشر تصویب کرد: تمدید مأموریت مای ساتو و کمیته حقیقت‌یاب اعتراضات ایران

راديو فردا

سرکوب اعتراضات در سال ۱۳۹۸ را نیز شامل شود. کمیته حقیقت‌یاب که ریاست آن را سارا حسین بر عهده دارد، در آخرین گزارش خود در اسفند ۱۴۰۳ حکومت ایران را به «تلاش سازمان‌یافته برای خفه کردن صدای معترضان، ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه، و تأمین مصونیت سیستماتیک از مجازات برای عاملان» متهم کرده بود.

نهاد ناظر بر حقوق بشر سازمان ملل متحد همچنین در دهه‌های اخیر گزارشگری ویژه ایران تعیین کرده بوده که هم‌اکنون مای ساتو این مسئولیت را بر عهده دارد. این حقوقدان ژاپنی از مرداد سال ۱۴۰۳ جایگزین جاوید رحمان شده بود.

وظیفه گزارشگر ویژه بررسی وضعیت دقیق حقوق بشر در ایران است و در همین ارتباط تلاش می‌کند تا به ایران سفر کند و نتایج تحقیقات خود را به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارش دهد.

با این حال، در دهه‌های گذشته جمهوری اسلامی به گزارشگران حقوق بشر سازمان ملل متحد اجازه ورود به ایران و تهیه گزارش نداده است.

آخرین باری که یک گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل به ایران سفر کرد، مربوط به دهه ۱۳۷۰ و پیش از تبدیل کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به شورای حقوق بشر بوده است.



عواقب جدی به ارتکاب نقض‌های شدید و جرائم بین‌المللی ادامه دهند.»

سارا حشاش، معاون دفتر خاورمیانه و شمال آفریقا در سازمان عفو بین‌الملل، در این بیانیه می‌گوید «فراتر از افزایش نظارت جهانی، این مکانیزم با ایجاد روندی اساسی برای جمع‌آوری، تحلیل و حفظ شواهد ضروری برای پیگردهای حقوقی آینده، تلاش‌ها برای دستیابی به عدالت از طریق اصل صلاحیت قضایی جهانی را تقویت می‌کند.»

شورای حقوق بشر سازمان ملل در آبان ۱۴۰۱ تصمیم گرفت که هیئت حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی درباره جمهوری اسلامی ایران برای تحقیق درباره نقض حقوق بشر مرتبط با اعتراضات «زن زندگی آزادی» تشکیل شود.

مأموریت این کمیته برای مدت دو سال تعیین شده بود و حالا قطعنامه جدید محدودیت زمانی برای این مأموریت در نظر نگرفته است.

به‌گفته فعالان حقوق بشر، با چنین تصمیمی، مأموریت این کمیته می‌تواند رخدادها و موارد نقض حقوق بشر پیش از سال ۱۴۰۱ از جمله

ارسال شورای حقوق بشر سازمان ملل، با تصویب قطعنامه‌ای، مأموریت گزارشگر ویژه این شورا در امور ایران را تمدید کرد و همچنین به ادامه فعالیت کمیته حقیقت‌یاب درباره سرکوب اعتراضات مردم ایران بدون محدودیت زمانی رأی داد.

جلسه رأی‌گیری این قطعنامه روز پنجشنبه ۱۴ فروردین در جریان نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو برگزار شد و با ۲۴ رأی موافق، ۸ رأی مخالف و ۱۵ رأی ممتنع به تصویب رسید.

چین، کوبا، اندونزی، سودان، ویتنام و بولیوی از جمله کشورهای بودند که رأی مخالف دادند. قطر، کویت و گرجستان هم در میان کشورهای بودند که به این قطعنامه رأی ممتنع دادند.

سازمان عفو بین‌الملل که از جمله نهادهای مدافع حقوق بشر در پیگیری تمدید مأموریت گزارشگر ویژه و همچنین کمیته حقیقت‌یاب بود، در بیانیه‌ای تصمیم امروز را «تاریخی» خوانده و می‌گوید این تصمیم «پیامی محکم به مقامات جمهوری اسلامی ایران و قضات، دادستان‌ها، و مأموران امنیتی و اطلاعاتی آن‌ها ارسال می‌کند که نمی‌توانند بدون احتمال

نیم دهه در بند؛ ادامه حبس علی یونسی و امیرحسین مرادی، دو دانشجوی نخبه



با علی یونسی هم‌سلول بود. او در مصاحبه‌ای با سایت ایران‌وایر در فروردین ۱۴۰۰ گفت: «یکی از چشمان علی به شدت عفونت کرده و متورم بود. این آسیب از زمان دستگیری او وجود داشت و حتی پس از ۱۰۰ روز، هنوز بهبود نیافته بود. از چشم او مداوم چرک و خون خارج می‌شد و تنها درمانی که در اختیارش قرار می‌گرفت، چند قرص آنتی‌بیوتیک در روز بود.»

علی یونسی همچنین تحت فشار شدیدی قرار داشت تا به حمل مواد منفجره اعتراف کند. اتهامی که او همواره آن را قاطعانه رد کرده است.

۲۲ فروردین ۱۳۹۹، نیروهای امنیتی در یورش هم‌هنگ و خشونت‌آمیز، علی و امیرحسین را بازداشت کردند. بر اساس شهادت خانواده‌های این دو دانشجوی، آن‌ها هنگام بازداشت، هدف ضرب و جرح قرار گرفتند.

آیدا یونسی، خواهر علی، در ویدیویی که در آن زمان منتشر کرد، گفت: «۱۲ مامور به خانه ما هجوم آوردند و برادرم را با خشونت دستگیر کردند. آن‌ها به سر او ضربه زدند و او را در حالی که از ناحیه سر خونریزی داشت، از خانه بیرون بردند.»

شرایط بازداشت و شکنجه

پس از دستگیری، هر دو این دانشجویان به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدند. بندی که تحت نظارت مستقیم وزارت اطلاعات قرار دارد. آن‌ها به مدت ۶۰ روز در سلول‌های انفرادی کوچک و بدون پنجره محبوس بودند.

مجتبی حسینی که در تابستان ۱۳۹۹ به دلیل انتشار توییت‌های طنزآمیز انتقادی بازداشت شد، به مدت ۹ روز

جمعه ۲۲ فروردین، پنجمین سالگرد بازداشت علی یونسی و امیرحسین مرادی، دو دانشجوی نخبه دانشگاه صنعتی شریف است. این دو که سال ۹۹ تنها ۱۹ سال داشتند، همچنان در زندان به سر می‌برند. کانون بین‌المللی دانشگاهیان ایرانی، در گزارشی سالگرد بازداشت این دانشجویان را یادآوری کرده است. علی یونسی، متولد ۱۴ اسفند ۱۳۷۹، دانشجوی رشته کامپیوتر در دانشگاه صنعتی شریف و برنده مدال طلای المپیاد جهانی نجوم و اخترازی (IOAA) در سال ۲۰۱۸ در یکن چین است. او همراه با تیم ایران، با کسب پنج مدال طلا در دوازدهمین دوره این رقابت‌ها، مقام اول جهانی را به دست آورد.

امیرحسین مرادی، متولد یک اسفند ۱۳۷۹، دیگر دانشجوی دانشگاه شریف و دارنده مدال نقره المپیاد نجوم داخلی ایران در سال ۲۰۱۷ است.

روایت بازداشت

اتهامات و روند قضایی

۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۹، غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی وقت قوه قضاییه، در نشستی خبری این دو دانشجو را به ارتباط با «گروه‌های ضدانقلاب» از جمله سازمان مجاهدین خلق متهم کرد.

او همچنین گفت که در خانه‌های آنها «مواد منفجره کشف شده» است.

خانواده‌های این دو دانشجو و افراد نزدیک به آنها بلافاصله این اتهامات را تکذیب کردند.

پس از حدود دو سال بازجویی و اعمال فشار برای گرفتن اعتراف تلویزیونی، سرانجام در پنجم اردیبهشت ۱۴۰۱، دادگاه انقلاب، علی یونسی و امیرحسین مرادی را به ۱۶ سال حبس «به اتهامات مرتبط با امنیت ملی» محکوم کرد.

اسفند ۱۴۰۳، دیوان عالی کشور پس از بررسی اعتراض وکیلان این دو

دانشجو، دستور برگزاری محاکمه مجدد را صادر کرد.

در پی این محاکمه، میزان حبس قابل اجرای یونسی و مرادی به شش سال و هشت ماه زندان کاهش یافت.

موج همبستگی جهانی

در واکنشی کم‌سابقه، گروهی از برندگان جایزه نوبل در سال ۲۰۲۲ از دبیرکل سازمان ملل خواستند تا برای آزادی یونسی و مرادی اقدام کند. همچنین بیش از ۱۷۰ استاد و دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف با امضای نامه‌ای سرگشاده، خواستار آزادی همکلاسی‌ها و شاگردان خود شدند.

پرونده یونسی و مرادی در سال‌های گذشته به یکی از نمادهای نقض حقوق دانشگاهیان در ایران تبدیل شده و واکنش‌های گسترده‌ای را در سطح بین‌المللی به دنبال است. مجامع علمی، سازمان‌های حقوق

بشری و چهره‌های برجسته جهانی با انتشار بیانیه‌ها و نامه‌های اعتراضی، خواستار آزادی این دو دانشجوی نخبه شده‌اند.

سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای محاکمه این دو دانشجو را «نمایشی» توصیف کرده و خواستار آزادی فوری آنها شده است.

دیده‌بان حقوق بشر نیز بازداشت خودسرانه آنها را مصداق «نقض آشکار حقوق بشر» دانسته است.

علی‌رغم اعتراضات گسترده داخلی و بین‌المللی، این دو دانشجوی نخبه همچنان در زندان به سر می‌برند.

زندانیان مقاوم و مبارز مریم اکبری منفرد هفدهمین عید را در زندان گذراند بدون آمدن حتی یک روز به مرخصی؛ در شانزدهمین سال حبس، عدم صدور اجازه به مریم اکبری منفرد، برای ملاقات حضوری با فرزندان و خانواده... /



مقامات زندان قرچک به مریم اکبری منفرد، در شانزدهمین سال حبس خود، اجازه ملاقات حضوری با فرزندان و خانواده ندادند.

این در حالی است که همسر مریم با پیگیری‌های فراوان توانسته بود از دادستان تهران نامه ملاقات حضوری را دریافت کند.

مقامات زندان قرچک عنوان کرده‌اند که مریم برای ملاقات حضوری با خانواده از امتیاز کافی برخوردار نیست.

ملاقات حضوری حق تمام زندانیان است اما مقامات زندان پاسخ داده‌اند این موضوع حق نیست و امتیاز است.

۴ فروردین ۱۴۰۴

انتشار فایل صوتی دومین جلسه آیت‌الله منتظری با هیئت اعدام‌های ۱۳۶۷:

ولایت فقیه

«چندش آور» شده

توضیح تصویر، آیت‌الله حسینعلی منتظری / عکس: بهروز مهری

• نویسنده، امید منتظری و فرزاد صیفی کاران

و هواداران سازمان مجاهدین خلق اعدام شدند. در موج دوم، که از اوایل شهریور آغاز شد، زندانیان چپ و کمونیست به دار آویخته شدند. آیت‌الله منتظری اولین بار با اعضای «هیئت مرگ» در ۲۴ مردادماه ۱۳۶۷ ملاقات کرده بود. برخلاف جلسه مرداد آیت‌الله منتظری با «هیئت مرگ»، مصطفی پورمحمدی، نماینده وزارت اطلاعات، در جلسه دی‌ماه ۶۷ حاضر نیست. در آن زمان اعدام گسترده زندانیان سیاسی چپ هنوز آغاز نشده بود، اما اعدام هزاران نفر به اتهام هواداری از سازمان مجاهدین خلق آغاز شده بود.

حکومت و همچنین نقش و موضع آنها درباره اعدام‌های تابستان در سال ۱۳۶۷ مطرح می‌شود: آیت‌الله علی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس، احمد خمینی، مسئول بیت رهبر وقت و عبدالکریم موسوی اردبیلی، رئیس شورای عالی قضائی. مرداد و شهریور ۱۳۶۷، با فرمان آیت‌الله خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، هزاران زندانی سیاسی دسته‌جمعی و مخفیانه اعدام و در گورهای جمعی دفن شدند. در موج اول اعدام‌ها در اوایل مرداد، ابتدا اعضا

۲۵ فروردین ۱۴۰۴ - ۱۴ آوریل ۲۰۲۵
بی‌بی‌سی فارسی به‌تازگی به یک فایل صوتی دست یافته است که در آن آیت‌الله حسینعلی منتظری برای دومین بار با سه عضو هیئت متصدی اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷ ملقب به «هیئت مرگ» صحبت می‌کند.

این نخستین بار است که وجود این فایل و محتوای آن فاش می‌شود. در این فایل قائم مقام رهبر ایران، در جلسه‌ای، سه ماه پیش از برکناری‌اش، با انتقاد شدید از اعدام زندانیان سیاسی می‌گوید که ولایت فقیه «چندش آور» شده است. در این فایل صوتی جزئیاتی از اعدام گسترده زندانیان سیاسی چپ مطرح می‌شود که در ۲۶ سال گذشته در حاله‌ای از ابهام قرار داشت. این جلسه ۹ دی ماه ۱۳۶۷ در بیت آیت‌الله منتظری در قم برگزار شد.

علاوه بر آیت‌الله منتظری، دیگر حاضران این جلسه مسئولان قضائی وقت هستند: حسینعلی نیری (حاکم شرع)، مرتضی اشراقی (دادستان تهران) و ابراهیم رئیسی (معاون دادستان). جان‌به‌دربردگان و خانواده زندانیان سیاسی دهه شصت از این افراد با عنوان «هیئت مرگ» یاد می‌کنند.

در جریان جلسه، نام مسئولان ارشد



علی خامنه‌ای رئیس‌جمهور، در کنار آیت‌الله حسینعلی منتظری در انتظار ورود آیت‌الله خمینی به مسجد جماران در ۱۰ اسفند ۱۳۶۰ / عکاس: کاوه کاظمی

تاکنون تنها فرمان آیت‌الله خمینی برای اعدام زندانیان مجاهد منتشر شده بود که در آن اعضا و هواداران سازمان مجاهدین را محارب خوانده بود. اما در فایل جدید دیدار با عاملان اعدام‌های سال ۱۳۶۷، آیت‌الله منتظری از حکم دیگری می‌گوید که آیت‌الله خمینی در پاسخ به نوشته‌ای از «حسینعلی نیری» صادر کرده است.

زندانیان سیاسی چپ که از اعدام‌های آن سال جان سالم به در برده‌اند، شهادت داده‌اند که هیئت مرگ حکم اعدام را بر اساس «ارتداد» صادر می‌کرد. این هیئت سه پرسش اصلی از زندانیان چپ و مارکسیست طرح می‌کرد: «مسلمانی؟ نماز می‌خوانی؟ از سازمانی که در آن عضو بودی برائت می‌جویی؟» سه ماه پس از جلسه دی‌ماه ۱۳۶۷



توضیح ویدئو، توضیحات امید منتظری در مورد اهمیت دومین فایل صوتی از دیدار آیت‌الله منتظری با هیئت مرگ و ارتباط آن با جدال بر سر جانشینی آیت‌الله خمینی

می‌شود و می‌نویسد: «رحم بر محاربان ساده‌اندیشی است، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی است، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود

جمهوری اسلامی اجساد هزاران اعدامی تابستان ۶۷ را هنوز به خانواده‌هایشان تحویل نداده است.

واکنش علی خامنه‌ای به حکم خمینی درباره اعدام چپ‌ها

آیت‌الله منتظری در فایل صوتی جلسه دی‌ماه می‌گوید که علی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت، به او گفته است که بر سر اعدام‌ها با حسینعلی نیری «دعا کردم».

آقای منتظری می‌گوید آیت‌الله خامنه‌ای «به خیالش» بعد از آن‌که حسینعلی نیری نوشته‌ای به آیت‌الله خمینی فرستاده بود، او حکم اعدام زندانیان سیاسی چپ را صادر کرد. بر اساس فایل صوتی، حسینعلی نیری، که در جلسه دی‌ماه حاضر است، اظهارات آیت‌الله منتظری درباره نقش خود در اعدام چپ‌ها را رد نمی‌کند.

آقای منتظری در بخشی از خاطرات خود، که شفاهی هم ضبط شده است تصریح می‌کند که «از آیت‌الله خمینی حکم جداگانه‌ای برای کمونیست‌ها گرفته بودند.» به گفته آقای منتظری حکم اعدام برای زندانیان سیاسی چپ با این توجیه از آیت‌الله خمینی گرفته شده بود که «مذهبی‌ها اعدام شده‌اند، پس کمونیست‌ها چه می‌شوند؟»

آیت‌الله منتظری هنگام نگارش مکتوب خاطرات خود درباره میزان اطلاع آیت‌الله خامنه‌ای از اعدام‌ها ابراز تردید می‌کند: «حالا من نمی‌دانم ایشان [آیت‌الله خامنه‌ای] خبر نداشت یا پیش من این صحبت‌ها را می‌کرد.»

آیت‌الله خمینی در اوایل مرداد ماه سال ۱۳۶۷ و پس از حمله «فروغ جاویدان» سازمان مجاهدین خلق، در فرمانی خواستار برخورد قاطع با زندانیان سیاسی این سازمان

از خون شفق ستاره سر خواهد زد تاریکی شب سر به سحر خواهد زد از آتش غربت سیاوش‌ها مان ققنوس هزار ساله پر خواهد زد

ابراهیم اشراقی

آیت‌الله منتظری با سه عضو «هیئت مرگ»، او از قائم مقامی برکنار می‌شود. آیت‌الله خمینی ششم فروردین ۱۳۶۸، پس از درز نامه اعتراض‌آمیز آیت‌الله منتظری در مخالفت با اعدام‌ها، در نامه‌ای شدیدالحن و بدون جلسه مجلس خبرگان، او را عزل کرد.

شش ماه بعد، در خرداد ۱۳۶۸، علی خامنه‌ای به عنوان رهبر جدید حکومت جمهوری اسلامی انتخاب شد.

آیت‌الله خامنه‌ای بعدها در کتاب خاطراتش از فرمان آیت‌الله خمینی برای اعدام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ دفاع کرد و ضمن «محارب» خواندن زندانیان سیاسی، نوشت: «از لحاظ فقهی و همچنین از لحاظ تشخیص امام و عملکرد امام و نظر امام جای هیچ دغدغه‌ای وجود ندارد.»

نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید، آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است وسوسه و شک و تردید نکنند.» او در این حکم حسینعلی نیری، مرتضی اشراقی و یک نماینده از وزارت اطلاعات را به عنوان اعضای اصلی هیئت اعدام‌ها می‌گمارد.

آیت‌الله منتظری، قائم مقام آیت‌الله خمینی، در دیدار ۲۴ مرداد ۱۳۶۷ (۲ محرم ۱۴۰۹ قمری) با هیئت اعدام استان تهران از آنان خواست که دست‌کم در «دهه محرم» اعدام‌ها را متوقف کنند.

به نظر می‌رسد پس از روز عاشورای آن سال (اوایل شهریور)، اعدام زندانیان سیاسی از سر گرفته می‌شود، این بار اما نوبت زندانیان مارکسیست است.



توضیح تصویر، آیت‌الله علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی (نفر دوم از چپ)، در حال گفتگو با یکی از نمایندگان در جریان یک نشست علنی در ساختمان مجلس در سال ۱۳۶۷

مردادماه با هیئت اعدام‌ها، می‌گوید: «من همه تقصیر را گردن اطلاعات و احمد آقا [خمینی] می‌دانم. گفتم تو [احمد خمینی] خودت به من گفتی که این منافقین، ۱۰ هزار تا از اون اعلامیه‌خوان‌هایش، همه رو باید اعدام کرد، برای همین خودت کردی.»

آقای منتظری در ادامه انتقادهایش می‌گوید احمد خمینی، فرزند آیت‌الله خمینی و اطلاعات «دست در دست هم دادند» تا آیت‌الله خمینی را قانع کنند فرمان اعدام‌ها را صادر کند. او می‌گوید که «مردم گفتند ولایت فقیه، نگفتند ولایت احمدآقا» و ادامه می‌دهد که «تو [احمد خمینی] رو کسی قبول ندارد.»

آیت‌الله منتظری در فایل نخست هم گفته بود که وزارت اطلاعات و احمد خمینی از دو سه سال پیش از تابستان ۱۳۶۷ دنبال بهانه‌ای برای اعدام مخالفان سیاسی بودند.

در سال‌های منتهی به کشتار بزرگ زندانیان سیاسی، بارها از زندانیان در قالب پرسش‌نامه نظر و مواضع سیاسی آنها سوال شده بود و زندانیان را بر اساس سر موضع بودن یا نبودن در بندهای مختلف مجزا کرده بودند.

بعدتر در جریان اعدام‌ها از جمله در زندان اوین، از بندهایی که صدها زندانی سر موضع محبوس بودند، عده انگشت‌شماری زنده بیرون آمدند. «سر موضع» به زندانیانی اطلاق می‌شد که حاضر به برائت از نظرات سیاسی خود نبودند.

در بخشی از فایل دوم، آیت‌الله منتظری می‌گوید: «این‌هایی که سر موضع شدند، توی زندان سر موضع شدند. در اثر برخوردهای اونجا سر موضع شدند.»

سپس یکی از اعضای هیئت با تایید اظهارات آیت‌الله منتظری می‌گوید: «بله، برخوردها درست نبوده، برخوردها تند بوده.»

آیت‌الله منتظری در تابستان ۱۳۶۷ در اعتراض به اعدام مخالفان و زندانیان سیاسی چند نامه به آیت‌الله خمینی می‌نویسد.

سرانجام در نامه‌ای که امضای احمد خمینی در پای آن است، مسئول بیت رهبر وقت ایران می‌نویسد که آیت‌الله خمینی گفته است «مسئولیت شرعی اعدام‌ها با من است.»

بودند خوشحال بودند ... آه.»

اکبر هاشمی رفسنجانی، در اواسط زمستان ۱۳۶۷ در مجلس ایران می‌گوید: «عده زندانیان اعدام‌شده در چند ماه گذشته کم‌تر از هزار نفر بوده است.»

جفری رابرتسون، حقوقدان، در گزارش خود درباره اعدام‌های ۱۳۶۷ می‌گوید این تنها آمار رسمی است که حکومت ایران به آن اذعان کرده است اما آقای هاشمی رفسنجانی این رقم را به‌گونه‌ای مطرح کرده که گویی «تحسین برانگیز و پایین» بوده است.

بعد از این نطق هاشمی رفسنجانی در مجلس، رینالدو گالیندوپل، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران، در نخستین گزارش خود این رقم را بیش از هزار نفر دانست. این رقم بعدها با ذکر نام زندانیان به چند برابر افزایش یافت.

آیت‌الله منتظری در فایل صوتی دی‌ماه با هیئت اعدام‌ها به صراحت می‌گوید «سه هزار نفر رو کشتید» و مدتی بعد رقم زندانیان سیاسی کشته را بیش از ۲۸۰۰ نفر بیان می‌کند.

آیت‌الله منتظری در زمستان ۱۳۶۷: ولایت فقیه «چندش‌آور» شده است

در فایل صوتی جدیدی که بی‌بی‌سی به دست آورده است قائم مقام وقت رهبری ایران با انتقاد تند از اعدام‌ها می‌گوید: «ولایت فقیه اصلاً پیش مردم چندش‌آور شده، مردم از این‌ها ذله شده‌اند.»

او بار دیگر با تکرار اظهاراتش در جلسه

میرحسین موسوی، که در زمان اعدام‌ها نخست‌وزیر بود، در یک فایل صوتی در سال ۱۳۸۸ گفته بود که در جلسه‌ای بین سران قوا، نظر آیت‌الله خامنه‌ای درباره اعدام‌ها چنین بود: «این مثل آب سیاهی است که بر سر نظام ریخته می‌شود و همه ما را سیاه می‌کند.»

انتقاد به هاشمی رفسنجانی و مسئولان

در فایل صوتی جدیدی که بی‌بی‌سی برای نخستین بار منتشر می‌کند، آقای منتظری از اینکه هیچ‌کس در حکومت مسئولیت اعدام‌های گسترده زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ را بر عهده نمی‌گیرد، ابراز ناراحتی شدید می‌کند: «آقایان یک کاری کردند که هیچ کدام جرئت ندارند بگویند ما کردیم. همه می‌گویند آقای خمینی نوشته است. آقای هاشمی می‌گوید نخیر چنین چیزی نیست، همه دنیا می‌داند، پس این‌ها چیست که ما می‌گوییم؟»

به گفته آیت‌الله منتظری، حکومت زندانیانی را اعدام کرده که با موافقت آیت‌الله خمینی، وزارت اطلاعات، دادستانی و شورای عالی قضائی عفو شده بودند: «کسی که مستحق عفو بوده را می‌شود اعدام کرد؟ آنها با حکم آقای خمینی هم عفو شده بودند، روی پرونده‌اش هم هست، حالا بدون فعالیت تازه تق ... چرا احکامشان را تقلیل داده بودید؟ رفته

متن پیاده شده جلسه نهم دیماه ۱۳۶۷ آیت‌الله منتظری با حسینعلی نیری، مرتضی اشراقی و ابراهیم رئیسی:

بود کازرونی؟ یعنی با حکم کشته شده باشند؟
عضو هیات: احتمال می‌دم، چون ... دو مرتبه پرونده میره به ... صحبتی شده بود که حکم صادر شده بود صحبتش شده بود ...

آیت‌الله منتظری: خب تحقیق می‌کردی، برای اینکه کازرونی از [عباسقلی حشمت] حشمت قطعاً اهمیتش زیادتر نبود که ... آدم فاسدی بود می‌گفتن اما کازرونی بالاخره آدم مذهبی بود حالا پولدار بود ...

عضو هیات: ... مثلاً به اون سری پرونده هم [اختلاس] کردیم از یکی از اون افراد من تحقیق کردم صحبتی شد که خب ... منطقه بعدی چیزه ما هم نتونستیم

آیت‌الله منتظری: یعنی دادگاه امید مثلاً حکم صادر کرد؟

عضو هیات: نه معلوم نشد
آیت‌الله منتظری: معلوم نشد؟ هیچی حدسم نزدیک چی بود؟

عضو هیات: نه، ولی اینکه خب ... آیت‌الله منتظری: پرونده‌اش کجا هست؟ از بین بردند یا هست؟ ...

عضو هیات: پرونده‌اش نه هست، پرونده‌اش به قسمتیش هست، یه قسمتیش دست خود آقای امید بود برداشته بود

آیت‌الله منتظری: چرا برداشته بود؟
عضو هیات: برداشته بود خب ... اونجا

آیت‌الله منتظری: پس قبل از امید بود؟
عضو هیات: نه

آیت‌الله منتظری: نه، پرونده قبل از امید بود؟

عضو هیات: بله
آیت‌الله منتظری: یعنی قبل از اینکه امید بیاد اصفهان؟

عضو هیات: خیر ... موضوع قبل از امید بود، پرونده بعد که امید اومد

آیت‌الله منتظری: بینم موضوع پس قبل از امید بوده، یعنی قتلش؟
عضو هیات: قتلش بله

آیت‌الله منتظری: در زمان شاه بود یا در زمان انقلاب بود؟

عضو هیات: حکایت هستش
آیت‌الله منتظری: اما امید می‌گفت من رو بذارید

عضو هیات: نمی‌دونم
آیت‌الله منتظری: حکم چی داشت؟

قاضی حکم زیاد بوده، بعد این‌ها تحقیق نکردن راجع به قتلش تحقیق بشه؟

دستش رو برمی‌داره می‌گه که اگر چنانچه می‌پوشوندی نمی‌گفتی بهتر بود، در سه مرتبه اقرار کرده، حضرت فرمود برو دیگه. دیگه وقتی رفتی دیگه نمیایم سراغت، ولی ما می‌زنیم طرف رو تا بگه بله من مثلاً فرض کن زنا کردم؛ لواط کردم یا مثلاً چی کردم. حالا یه زنی در شیراز چی، محکوم به رجمش کردند. بعد در حالی که سنگ هم بهش خورده فرار کرده. گرفتنش. خب این دسترسی به اقرار باشه دیگه ... حق نداری بگیریش ... حالا گرفتنش ... می‌گن بله... خب پیغمبر اکرم در همون قضیه مالک بن مالک فرار کرده بود بعد زبیر این‌ها زدن کشتنش. پیغمبر دیده‌اش رو از بیت‌المال داد ... وقتی فرار کرد دیگه حق نداری بری بگیري

من بارها گفتم آقا انقلابمون پیروز شد، از توش اقلاً هزارتا قاضی مجتهد عادل و بالاتر از این‌ها عاقل لازم داریم، ده تاشم نداریم.

این قضیه مرصاد ... ۳۰۰ تا دختر گرفتن ... ۳۰۰ تا دختر

آیت‌الله منتظری: وقتی که در اصفهان بودی دادستان بودی، این مرحوم کازرونی رو که ترور کردن، اون قسمت کسی تحقیق نکرد؟
عضو هیات: چرا!

آیت‌الله منتظری: خب؟
عضو هیات: تحقیق کردیم

آیت‌الله منتظری: چیزیم معلوم نشد؟
عضو هیات: اصلاً ... پرونده ... پرونده تشکیل شد به این اتهام

آیت‌الله منتظری: چی بود اتهام؟
عضو هیات: نشد دیگه گرفتن ... همین پیگیری بود که ... نشد ... اومدیم خدمتون بعد دیگه نتونستیم ...

آیت‌الله منتظری: چطور نتونستی؟
عضو هیات: بعد دیگه شهید باهنر اومدن اصفهان گفت بین کمیته و سپاه اختلاف هست

آیت‌الله منتظری: نه از کجا می‌دونستی؟ شما حدس می‌زنی از کجا می‌دونستی؟

عضو هیات: عرض کنم که حدس اینکه خب من حدس‌اش رو می‌زنم

آیت‌الله منتظری: یعنی شاید حکمی صادر کردند؟

عضو هیات: بله
آیت‌الله منتظری: یعنی گناهش چی

آیت‌الله منتظری: وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (سوره آل عمران، آیه ۱۸۶)

ترجمه: (و خودتان، و قطعاً از کسانی که پیش از شما کتاب آسمانی به آنها داده شده، و از کسانی که شرک می‌ورزند، سخنان ناپسند فراوانی خواهید شنید. و اگر صبر کنید و از خدا بترسید، این از کارهای [شایسته] عزم و اراده است.)

قال امیرالمومنین: لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقله اهلہ. یجب علینا العمل بالواجبات و لو کنا قلیلی

ترجمه: (در راه هدایت، به خاطر کم بودن افراد، احساس تنهایی نکن. ما باید وظایف خود را انجام دهیم، حتی اگر عده‌مان کم باشد)

قال رسول‌الله: والمؤمن وحده جماعة
ترجمه: (مؤمن به تنهایی یک گروه است)

و قال الله تعالی: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَتَلًا (سوره نحل، آیه ۱۲۰)

(ترجمه: به راستی که ابراهیم امتی فرمانبردار بود.)

ابراهیم به واسطه کان امه قانتا، ولا تستوحشوا فی طریق الهدی لقله اهلہ.

آیت‌الله منتظری: یک روایتی داریم من اصلاً توی کتاب نوشتم اونجا، پیش حضرت علی یه کسی رو آوردند، حضرت می‌فرمایند (حدیث به عربی نامفهوم) حضرت فرمود تو دزدی کردی؟ اگر می‌خواهی بگو نه، تازه از قصد بهش می‌گه، یعنی اجبار به اقرار نباشه، این خیلی حرف است ها! یه وقتی آقای شریعتی می‌گفت که شریعتمداری می‌گه در آلمان من دنبال آقای ورامین رسیدم، چند شبی رفتم توی بلواری، میدونی این‌ها، بعد به ما سوء ظن پیدا کرد پلیس، من رو گرفت، من رو گرفتن در آلمان بردن اونجا بازجویی کنند توی اون آگاهی شهری که بود، بعد گفتن ما یه سوالاتی از شما می‌کنیم، ولی شما اجباری نداری جواب بدی. خواستی جواب بده، خواستی جواب نده. این روش امیرالمومنین رو اون‌ها عمل می‌کنن، ما هر چی می‌گذره ... حتی مثلاً نسبت به اهداف، اهداف اونجا ... میاد پیش امیرالمومنین می‌گه حضرت

عضو هیات: تحقیق بشه، توی دادسرای عمومی بود ... رفته بود اونجا. بعد که من مستقیماً دنبال کردم، از اونجا پرونده رو گرفتم، بعد تو تحقیقات که شروع کردیم یکی از اون‌ها تیم تحقیق، من خودم شب اونجا بودم، به من برخوردهای بسیار احتمال داره که اونم حکم داشت... تا این حد برای من صحبت شد که ما دیگه بعد از اون روز نشد تحقیقات کنیم

آیت‌الله منتظری: بله. به چیزایی آدم می‌خواد بدونه، آقای قاضی اومده اینجا میگه به ژاندارم، به ژاندارم از یه، یکی از این سربازها، یه سرباز نیروی دریایی ... فرستاده، سه ماه بهش مهلت داده که برو سه ماه دیگه بیا، بعد دیگه اینجا آزادی، بیچاره رو محاکمه کردند محکوم کردند، به ۷۰ ضربه شلاق، دو سال زندان، انفصال دائم از خدمت، واسه یه نومن، اون وقت گاهی اوقات یه چیزهای کلانی می‌بینی ماست مالی میشه. بایستی توجیه‌کننده کار آقایون باشه، دائماً اینجور می‌کنند راجع به اعدام‌ها این چیزها، آدم واقعا بعضی‌هاشم متاثر می‌شه ...

چقدر این رادیوهای خارج می‌دونی چقدر برای ما معرکه گرفتند. آقای خلخالی همین‌جا نشسته بود اینجا، کارهایی ما می‌کنیم بی‌عقلیه اصلاً، آقای خلخالی همین‌جا نشست گفت ۳۰۰ تا دختر رو آوردند مثلاً مرصاد هستن، مرصاد تو باختران، و دو تاشونم دختر فرانسوی بودن، اتفاقاً خلخالی گفت من اونجا بودم، گفتم حالا همه رو اعدام کنین این دو تا دختر رو اعدام نکنین فرانسویین این‌ها، از همه این‌ها ... گفتن نه اعدام، شما همین مدت دیدی چقدر دولت فرانسه و تو رادیوها و این‌ها تازه به چیزیم در ... خوندم که بله یه ستادی در فرانسه تشکیل شده برای تحقیق نمی‌دونم دختر فرانسوی تو زندان اوین، یه دختر پرستاری بوده. اونجا در فرانسه، بعد از اینکه یه منافقی این رو مسلمون کرده به اصطلاح، بعد این رو گرفتدش، خب اون دختر فرانسوی مسیحی که مسلمون شده اون ... اسلام همونه، اون چه می‌دونست که مثلاً حالا اسلام و حکم و غیره، بعدم شوهرش اومده بیاد تو عراق زنشم با خودش آورده، اون وقت این زنه اینجا اسیر شده تو مرصاد زدن تق، همین دیگه، ما اصلاً این دو تا دختر رو داشتیم می‌دونستید با فرانسه چقدر میشه مبادله کرد؟ با زندانیان با

نمی‌دونم چی چی ... این کارهای ما چیه؟

آیت‌الله منتظری: آقای خامنه‌ای همین‌جا بوده، من اصلاً نمی‌دونم کشور اصلاً، آقای خامنه‌ای شب اینجا بوده بعد صحبت که بله من با آقای نیری دعوا کردم و نمی‌دونم چطور این اتفاق افتاد و این‌ها، گفتم که امام خودش علیه ... گفت کی؟ اصلاً آقای خامنه‌ای نمی‌دونسته که آقای خمینی یه چیزی نوشته، رئیس‌جمهور کشور خیر نداشته که آقای خمینی یه نامه نوشته و دست اطلاعات هست و تحصیل کرده فهمیده، اون فقط به خیالش بعد آقای نیری به امام نوشته راجع به مثلاً چپی‌ها و این‌ها اون وقت، اونجا من دعوا کردم ایشان رو، گفتم آقا! گفت !! مگه چیز دیگه‌اس؟ گفتم بابا چون اون نامه امام اصل کاری بوده بعد این‌ها دنبال چیز دیگه بودن.

آیت‌الله منتظری: به شب اسلامی اومد اینجا یه، اسلامی شیراز، یه پرونده آورد یه دختری تهران ... وصیت‌نامه‌اش رو آورد، به قدری من متاثر شدم. خود اسلامی هم متاثر شده بود راستش، گفتم آقای اسلامی ببینید این دختره نوشته توی وصیت‌نامه‌اش به پدر و مادرش که ناراحت نباشید؛ دنیا در گذره، نمی‌دونم چطور مثلاً به قرآن نهج‌البلاغه و نمی‌دونم چی این‌ها، بهش گفتم این دختر سابقه مثلاً قتلی، جوری؟ گفت نه، این همین جوری هواداری چیزی نبوده، بعدش از سر تا پا وصیت‌نامه نور می‌بارید، اون وقت گفتم خب حالا بین آقای اسلامی شما . در شرع اسلام می‌گوید که دختر، زن اگر که چنانچه خدا رو قبول ندارد، پیغمبر رو قبول ندارد، قرآن رو قبول ندارد، هیچکی رو قبول نداره، مرتد شده دیگه، این رو همیشه بکشی، حالا این دختر خدا رو قبول داره، پیغمبر رو قبول داره، قرآن رو قبول داره، همه چیز رو قبول داره، میگه نوشته من اول به جمهوری اسلامی اعتقاد داشتم بعد دیدم خواسته‌های ما انجام نشد ناراحت شدم، تو وصیت‌نامه‌اش اینجوری به پدر و مادرش نوشته، امیدواریم انشالله امام زمان بیاد و ... گفتم ببینید این دختری که خدا رو قبول داره، پیغمبر رو قبول داره، قرآن رو قبول داره، پیغمبر رو قبول داره، همه چی رو قبول داره، فقط میگه من این جمهوری اسلامی مطابق سلیقه من نیست این رو میشه اعدام کرد؟ اصلاً تو بگو نه قتلی داره نه توی ترور رفته نه محاربه. این رو میشه اعدام کرد؟ اما اون‌ی که نه

خدا رو قبول داره نه پیغمبر، چجوری میشه اعدام کرد؟ آخه این شد فقه؟ من به اون مردک گفتم شما از اول اگر چنانچه حالا آخوند ... من یه گله‌ام از شما دارم، چیزیم نیست، من هر چی اینجا برای شما گفته بودم رفته بودی به امام گفته بودی. احمدآقا [خمینی] اومد ... گفتن، احمد گفت آقا اینجوری گفته که نمی‌دونم، اسم شما را از تو ... احمدآقا و اطلاعات. گفتم بله تمام این‌ها رو من گفتم، حالا چی؟ می‌خوای چی کار کنی؟ خب به احمدآقا تمام رو نقل کرده

عضو هیات: بله
آیت‌الله منتظری: حالا دلیلی نداشت که شما من هر چی اینجا به شما گفتم که برید نقل کنید. ولی خب رفته بودید نقل کردید.

عضو هیات: بله
آیت‌الله منتظری: احمد به رخ من می‌کشید، من گفتم تمام این‌ها رو من گفتم. یه خرده‌ام بالاترین از این.

[بگو مگو]

آیت‌الله منتظری: گفت این‌ها اومدن گفتن حتی همین که اسم شما رو هم، این رو به من گفت ... شما ... اینکه احمد آقا با اطلاعات با هم دست به دست هم داده این‌ها. گفتم بله من همه این‌ها رو من گفتم حالا چی؟ این رو نقل کرد احمد، گفتم آره من تمام این‌ها رو گفتم حالا چی؟

عضو هیات: ...

آیت‌الله منتظری: مثل یک روز دیگه که آمد که بله شما به آقای ... گفتی که مردم گفتن ولایت فقیه نگفتن ولایت احمد آقا، گفتم آره گفتم، مگه مردم ولایت تو گفتن؟ تو رو کسی قبول نداره ... [صدای خنده] ...

حالا قضیه این است که اون کار اگر چنانچه آقای خمینی برایش یه جوی درست کردن، راه عاقلانه همین است که من اون روز به شما گفتم، اما ... آبروی ما رو در دنیا بردند، اونقدر جامعه بین‌المللی ما رو محکوم کردند، خانواده‌ها همه داغدار شدند، ناراحت شدند، راه کار همین بود که من اون روز گفتم. اون‌هایی که تو زندان‌ها تشکیلات داشتند، یا با اون‌ها مرادوه داشتند، اشراقی می‌ومد محاکمه می‌کرد، محکوم می‌کردند، فرض کن ۱۰۰ نفر، بعد اون ۱۰۰ نفر رو هم اعدام می‌کردن، محکوم به اعدام می‌شد و بعد هم اعلام هم می‌کردیم که بله این‌ها این کار را کردند، دیگران هم بالاخره به ...

اما الان به کاری کردیم که با هیچ شرع و با منطق جور نیست، بگو چرا؟ برای اینکه آمدید به زن یا به مرد، فرض کنید، هیئت عفو به کسانی تو در زندان معین کردند مثل خلخالی، مثل نمی‌دونم کی این‌ها، که اون‌ها بروند بررسی کنند، بعد این‌ها رفتند به کسانی رو بررسی کردند گفتن این‌ها مستحق تقلیل است یا عفو است، اطلاعات نظر داده، رئیس زندان نظر داده، دادستان نظر داده، با نظر این‌ها، هیئت عفو نوشتند به ما بله این‌ها مستحق مثلاً ۱۵ سال بودند حالا تقلیل داده شد به پنج سال، گوش میدی؟ ۳۰ درصد بودن اون‌هایی که ... کردید، شد پنج سال، بعدم ما نوشته بودیم از طرف رهبر انقلاب امام خمینی مدظله عالی با نظر آقایان موافقت می‌شود، یعنی مثلاً ۱۵ سالش می‌شه چی پنج سال، بهش هم ابلاغ کردند، بدون اینکه کاری تازه کرده باشه رفتند این را اعدامش کردند. اینی که مستحق عفو بوده حالا مستحق بوده یا نبوده بالاخر عفو شده، از طرف آقای خمینی هم عفو شده، روی پرونده‌اش هم هست، حالا بدون فعالیت تازه تق! این کلمه درستی نیست، فرض کن مستحق اعدام هم بوده، حالا عفو شد، کسی که مستحق عفو بوده می‌شه اعدام کرد؟ [صدای یکی که واضح شنیده نمی‌شود] ... پس چرا حکم رو تقلیل داده بودید؟ نمی‌دونم خب رفته بوده خوشحال بوده بهش گفته بودن، حالا اعدام! گفت به من هم اشرافی اطلاع داد، ما از اون‌جوری اطلاع ... آقایان به کاری کردند الان هیچ کدوم جرات ندارن بیان بگن آقا ... آقای خمینی نوشته. همون‌طوری که آقای هاشمی میگه نخیر همچین چیزی نیست و چرا گفتید، خب دنیا همه می‌دونن هست پس این‌ها چیه ما داریم می‌گیم؟ ...

عضو هیأت: آقا ما امسال به خدا ۶۵۰ نفر رو آزاد کردیم.

آیت‌الله منتظری: خب این که جواب اون‌ها را نمیده. این‌ها جواب اون‌ها را نمیده.

عضو هیأت: ببینید از گروه‌های مختلف آیت‌الله منتظری: نه این جواب اون‌ها رو نمی‌ده برین ببینید تو خانواده‌ها چه خبره، همون‌هایی که به انقلاب و آقای خمینی و به همه چیز عقیده داشتند همه مسئله‌دار شدند، این‌ها درست نیست، این‌ها مسئله‌دار شدند.

من به احمد آقا گفتم، گفتم همه

گناهان رو گردن تو و اطلاعات می‌دونم. گفتم آقا خمینی اونجا نشسته، شما می‌رید جو درست می‌کنید این‌جور درست نیست ... من همه را تقصیر اطلاعات و احمد آقا می‌دونم. گفتم تو خودت به من گفتی که این منافقین ۱۰ هزار تا از اون اعلامیه‌خوانش تا همه رو باید اعدام کرد، برای همین خودت کردی، ... هرچی شما بگی ...

بله
عضو هیئت: امیدوارم خیر خدا پیش بیاد، امیدوارم اون فراز و نشیب‌هایی که

آیت‌الله منتظری: نه شما نیستین آخه تو جامعه بینی چی گرفتاری‌ای، نمی‌دونم رادیوهای خارج را گوش می‌دی؟ که بینی در این مدت چقدر جو علیه ما درست کردند و تو دنیا ما رو محکوم کردند، در وقتی که ما سر قضیه قطعنامه اون‌جور شد، حالا تازه اون‌جوری، اون‌وقت میان میگن تازه حالا رفتند خودشون اعدام کردند، صدام داشت ... ولو دروغ میگه، کرده بود اما چون بها می‌داد به مردم و نمی‌دونم چطور اعلام عفو می‌کرد، ما هم اینجا اعدام، اصلاً من برای زنان و دختران شبهه هم دارم، ابن ادریس ادعای شبهه‌ام می‌کنه به اینکه زن محارب رو نمی‌شه اعدام کرد. بعد این‌ها خیلی‌هاشون محارب نبودند، محارب کسی است که بیاد اسلحه برداره بیاره، واقعیتش اینکه این‌ها یک اعلامیه خوانده بوده، بعد اومده تو زندان، برخورد امام، برخوردی بوده، زن بوده، ضعیف بوده، یه برخوردی یه بازجو کرده که به حساب اسلام و آقای خمینی بوده، از همه چی سرخورده، یعنی این‌هایی که سر موضع شدند توی زندان سر موضع شدند. بابا اون روز میگه من برادر خودم، خودم بردم تحویل دادم، گفتن دو ساعت دیگه یا دو روز دیگه آزاد میشه ... بعدش هم ... آقایان اعدامش کردند. این سر موضع شدنشون یه سری در اثر برخوردهای اونجا بوده، وگرنه کسی سر موضع نبوده.

عضو هیأت: برنامه‌ریزی نبوده، بله، برخوردها درست نبوده، برخوردها تند بوده

آیت‌الله منتظری: خب دیگه بعد آقای خمینی که می‌نویسن که سر موضع، بیاری ببین این چجوری سر موضع شدن این‌ها خبر ندارین که، این‌ها می‌رفتن شورای عالی قضایی می‌رفتین معرکه می‌گرفتین ... من به

موسوی اردبیلی هم گفتم، گفتم تو فقط تنها هنری که داشتی رفتی که به آقا خمینی می‌گید که آقا حالا کسی که محکوم به اعدام است با ... [قابل شنیدن نیست] اعدامش کنیم یا بیریمش در مرکز استان؟ ... ما بین به امام گفتیم آقا این‌ها همه سر موضع این‌ها بعضی‌هاشون به جهاتی سر موضع شدند، همیشه نیستن و این‌ها، بالاخره یه کاری کشف می‌کردید و این‌ها. راه عقلائی‌اش همینی است که من عرض می‌کردم، کسانی که تشکیلات داشتند، با اون‌ها رابطه داشتند دوباره محاکمه می‌شدند، محکوم به اعدام می‌شد، این دیگه کسی هم نمی‌تونست چیزی بگه، محکوم به اعدام شده. اما کسی که زیر پرورده‌اش از طرف امام خمینی نوشته شده مثلاً ۱۰ سالش ۵ سال شده، مستحق تقلیل شده، حالا بدون محاکمه اعدام شده، این جواب نداریم که. آقای انصاری می‌ومد از طرف امام می‌ومد تو زندان، آقای انصاری البته خب ... داره. اما محض اینکه می‌ومد با یک یک این‌ها صحبت می‌کرد که مثلاً به حساب آقای خمینی این‌ها نگذارید، به حساب انقلاب نگذارید، تندی شده از دلشون در می‌آورد، آقای انصاری می‌ومد ...

دادگاه ... اگر چنانچه فشار موسوی اردبیلی نبود آقای فلاحیان اونجا می‌خواست برای ایشان پرونده درست کند و نگهش هم داره.

این‌جوری باشد که اون دوره بهتر بود ... [صدا شنیده نمی‌شود]

... معلومه که این‌ها تو جمع نیست ...

عضو هیأت: مال مردم خوره

دیگر عضو هیأت: نه نه

آیت‌الله منتظری: ... که هفتاد تا رو می‌گم ولی بالاخره به زندانی که برخورد می‌کرد اون رو خوش‌بین می‌کرد به جمهوری اسلامی نه بدبینش بکنه، خودتون می‌بینید دیگه، بعد می‌خواستن بگن آقای انصاری تو دیگه حق نداری بیای تو زندان، آخه این درست نیست ... بعد تو سرش می‌زنند و ... بنده در زمان شاه، حالا شاه ظالم ... ظالم ... بنده زندانی شاه بودم، خیلیم رو ما حساس بودن یعنی ما رو از سران خرابکارها به اصطلاح می‌دونستن، یه کتابخونه ما داشتیم اونجا باز تاسیس کردن تو مراسم چهارم آبان رفته بودن روز روشن کاشی‌هایی که به اسم ما بود شکسته بودن و کاشی‌هایی درست کرده بودن نوشته بودن در ...

اعلی حضرت رضا شاه پهلوی، محمدرضا پهلوی شاهنشاه آریامهر کتابخانه تعطیل شد، و در حقیقت کتابخانه من رو دزدیده بودن به اسم شاه کرده بودن، بنده در زندان قصر شکایت کردم به چند جا از جمله به بازرسی شاهنشاهی، ببینید بازرسی شاهنشاهی، منم زندانی، به نفر سرهنگ پا میشد از تهرون می فرستن ... روز روشن اونجا به مردم می گه که بیاید این قضیه کتابخونه رو ... بعد این صحبت می کنه واسه مردم می گه آقای منتظری زندانی شده جای خود، اما اگر حقی تضییع شده باید حقی از سوی هر کسی، هر کی اطلاع داره بیاد مطمئنم باشه کاریش نداریم، مردم میان شهادت میدن اون یادداشت می کنه، رئیس سازمان اصفهان بوده، رئیس سازمان ... رئیس سازمان اوقاف اصفهان بوده ظاهرا، رئیس شهرداری اصفهان توش بوده رئیس شهربانی نجف آباد بوده، فرماندار نجف آباد هم اون ناطقی ... اینها همه تو این جریان بودن که کتابخانه رو آوردن اون کار کردن، حالا می دونی چیه؟ فرح اومده به کتابخونه بسازه اینها پول رو و می خواستن رو بخورن این کتابها آقا این کتابخانه نداره اسمی سنگ مفت پول مفت، ... به همچنین چیزی بود جریان، ... کاری نکردن، روز هفتم عید ما تو زندان قصر بودیم به وقتی اومدن گفتن که شما رو خواستن از بازرسی ارتش، تیمسار فرسیو که کشتندش، ضیا فرسیو، کشتندش، آوردن پیش من، به مرده هم اونجا نشست، تازه اون کی بود من نفهمیدم، من حدس زدم اونوی که از همه ... اونوی هست که از دستش شکایت شده ... شاید دو ساعت این به من التماس می کرد، حالا زندانیم، گفت آقای منتظری این کار این حق شما را تضییع کرده، و جرم هست، اینها همه ... و شما بذار بازرسی شاهنشاهی چیکار کرده ... از طرف بازرسی به من دستور دادن که من ولی خودش کار ... اونجا کاشی اعلی حضرت رو و گفت کاشی که به اسم اعلی حضرت ما بکنیم این خیلی ... شما بیا هرچی می خوای پول می خوای هرچی می خوای که بیا مثلا شما شکایت رو شما پس بگیر، ما تو کشور این همه دزدی دیدیم، کتابخانه دزدی ندیده بودیم، حالا اینم اعلی حضرت کتابخانه بخواد درسته کنه خب خودشون پول دارن قدرت دارن می تونن، چرا کتابخانه من رو

اینطور کردن؟ اینقدر به من اصرار کرد التماس کرد که آقای منتظری شما چقدر از زندانتون مونده؟ گفتم 27 روز، گفت شما همین جایی که هستی بگو تشریف ببرید منزل من می گم حالا شما را ببرند منزلتون، گفتم نه آقا ... بوده 27 روزشم مونده، بعد از این ببینید در زمان این داستان بالاخره من زندانی شکایت کردم ... برسم حالا ... ما اینجا ... اینقدر مردم شکایت دارن، دائما ... بیاد آقای خمینی به هیات درست کنه بگه آقا من فردا به هیات هشت نفره ... چی چی بود؟ هشت مواد، هشت ماده ای

(صدا در صدا)

آیت الله منتظری: ... بیاد یک همچنین هیاتی درست کنه ... روزنامه بخونه، ... گفت نه همونطور خوب بود، گفتم نه اون همیشه آقای خمینی بنویسه، بعد یک هیات ... چرا مردم چی چی ... شکایت قضایی ... من می گم رسیدگی بکنن بالاخره به اموری برای مردم درست کنیم، میان اینجا به من میگن هرجا رفتن نه شورای عالی قضایی جواب میدن نه نمی دونم هیچ جا جواب نمیدن، این که نشد باباجون، اون زمان شاه بالاخره من زندانی رو بازرسی شاهنشاهی به ... گفتن برو فلانی رو رضایتش رو تحصیل کنید، بعد این ... آخه اینجوری ... خب آخه این نظام ... نظام هم .. حقانیتش افتاده اینجا ... والا ... کمک بکنید تعجب ... هیچکی به هیچکی نیست.

آیت الله منتظری: قبول ندارین؟ تا به چیزی میشه ... مسئولین ما گاهی اوقات می خوان توجیه کنن دروغ می گن، به دروغی که مردم باورشون نمیشه، مثل نخست وزیر شاه ... دهن بسته ... اونجا ... گفتم که بهتون نامه نوشته به آقای خامنه ای استعفا نوشتی؟ این نامه رو خودشم نوشته بود، برای منم فرستاده بود با امضای خودشم بود، بعد این تکثیر شده دست رادیو لندن هم رسیده رادیو لندن خونده، با امضای خودتونه، برای چی تکذیب می کنید؟ اونوقت نمی گن آخه اینها، مسلمونها چیزی می نویسن بعد تکذیب می کنند؟ خب اینها رو بگو شجاعتشم داشته باش ... چرا تکذیب کردی؟

آیت الله منتظری: به روز به احمد آقا گفتم احمد آقا من دلم برای آقای خمینی می سوزه، حالا الان جرات ندارم بگم، پنجاه سال دیگه همین نامه ای که آقای خمینی نوشته، همین نامه ای که نوشته شما ... این شد تاریخ علیه آقای خمینی.

عضو هیات: (صدا نامفهوم)
آیت الله منتظری: بله سه هزار نفر رو مثلا با این کشتید، گفتم من دلم می خواست که چهره ولایت فقیه محترم بمونه با اون قداستی که اول آقای خمینی آمدند در ایران و مایه امید همه بودند، اصلا همه عشق می ورزیدند، ما دلمون می خواست ایشان همین جوری بمونه، ولایت فقیه اصلا پیش مردم چندش آور شده مردم ذله شدن از اینها، اینها هیچ ... همون گه کاری که ... آقای خمینی اونجا نشست خبر که نداره بعد می رن به جوی درست می کنن بعد می گن آقا، حالا حضرت عباسی از شما می پرسن، بعد از عملیات مرصاد به عقیده من شکست بزرگی به منافقین خورد برای اینکه اینها رفته بودن، با همین این کاری کردین ما اینها رو دوباره تو دنیا داد و هوار راه می ندازن، برامون معرکه گرفتن تو سازمانهای جهانی، دوباره اینها رو زنده کردیم، همین عمل زنده شون کرد نه اینکه اینها رو کشته بود، ... گفتم بابا جریان است اینها ... که نیست که، این جریان همون خانواده هایی که الان ما کشتیم همه الان میگن که || پس منافقین راست می گفتن که، حالا بیا درستش کن، حکومت شون حکومت دینی است دیگه، ... ما اگر چنانچه با وفق و مدارا و محبت و این جور چیزها جذب می کردیم کم می شدن، اما ما هی داریم زیادشون می کنیم.

کاری از اسماعیل نوری علا

نامه

نامه می نویسم بر شن ها

می سپارم اشک به دست پتچوی باد

نامه می نویسم بر موج ها

می سپارم اشک به ماهیان زگر خوان تشنه

نامه می نویسم بر برگ درخت

بر باران

بر برف

می سپارم اشک به ماه، به ابر،

به سفرد گشوده ستاره باران

نجوانی با آنکه نمی آید

با آنکه در خیابان های جستجو پیر می شود

با آنکه در راهروهای خود سرگردان است

و نشانی اش را گم کرده است

باد شن ها را برقص و او می دارد

موج ماهی را به انزواک خزه ها می خواند

و باران ضرباهنگ کل تنهایی است

وقتی خزان

نفس زنان

تن به تنهایی می سپارد

نامه می نویسم

نشسته بر پله های پست خانه

از جانب کسی که نمی شناسم

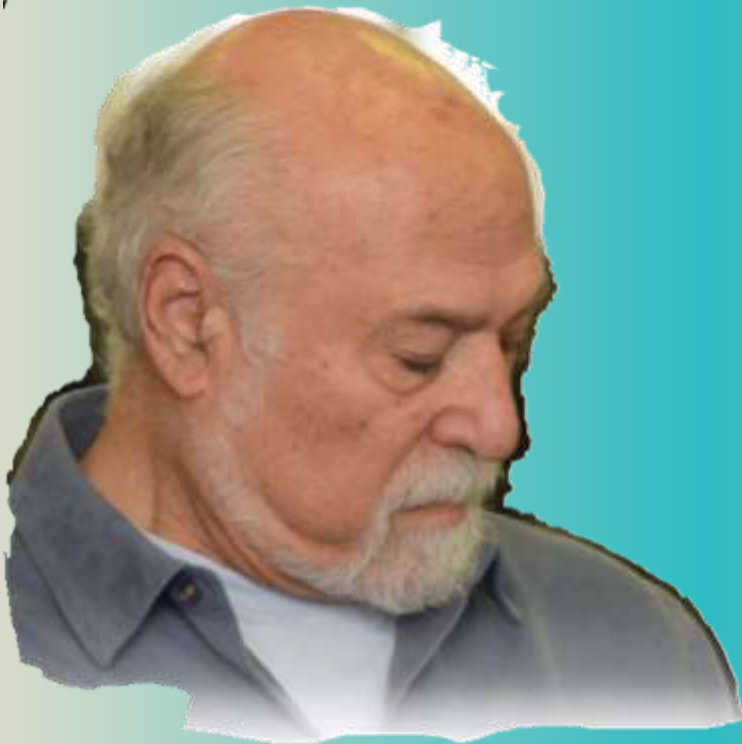
برای کسی که نمی دانم

و در دستم مثنی سلمه از رونق افتاده است

یادگار زمانه ای که

در گذرگاه تما گم شد

نامه می نویسم



برای کسی که مثل هیچ کس نیست

برای قربانی عزیز بھمن ماه

برای آنکه بر فرار گورها

چشماتش را به من بختید و خود

حلقه آویز درختان حطی شد

نامه برای کسی که دیگر نخواهد خواند

برای آواز خوان بی آواز

برای آنکه در آینه

کھایتم را به ازدهام جیوه ها می بگذرد

برای آنکه در زیر باران

به من می اندیشد و

چشم هایم را بارانی می کند

انگشتانم شکل قلم گرفته اند

در کاسه چشم هایم جوهری از ستاره هاست

می نویسم و

باد مرا با خود می برد.

نگاهی به صف آرای نظامی ایران با آمریکا علی الرغم مذاکرات اتمی



ناخدا محمد فارسی

با توجه به سیاست خارجی نامتعادل، غیرمسئولانه و غیر قابل اعتماد رئیس جمهور آمریکا آقای ترامپ، علی الرغم افزایش نیروی های نظامی آمریکا در خاورمیانه و غرب اقیانوس آرام، تحلیل گران براین باورند آمریکا مستقیماً به ایران حمله نظامی نخواهد کرد و این در حالی است که جنگ ایران با آمریکا در یمن در حال وقوع است؟ آیا رژیم اسلامی از این طریق تسلیم دولت ترامپ خواهد شد؟ بنظر میرسد آمریکا با بمباران شدید مواضع حوثی ها حملات تروریستی آنان به کشتی رانی در دریای سرخ و دهانه باب المندب را کاهش داده است. اما باید اذعان داشت بدون عملیات زمینی، حوثی ها مغلوب نخواهند شد. احتمالاً بهترین گزینه برای شکست حوثی ها استقرار نیروی زمینی کماندویی آمریکا در کشور عمان باشد که رابطه بسیار نزدیکی با آمریکا دارند، و از طریق مرزهای عمان با یمن بطور محدود عملیات حمله و گریز انجام دهد. حملات کماندویی و بمباران هوایی میتواند حوثی ها را سرکوب کند، ولی برای جلوگیری از بازسازی آنها، به یک حکومت قانونی مورد قبول مردم و پشتیبانی کشورهای عرب خاورمیانه نیاز است.

از سویی مذاکرات اتمی ایران با فشار دولت آمریکا و افزایش تحریم های کمرشکن اقتصادی، روز شنبه ۱۲ آوریل در مسقط پایتخت کشور عمان شروع شد. هر دو طرف روند نشست

انرژی اتمی را بپذیرد. در مقابل، تحریم های سازمان ملل مرتبط با برنامه هسته ای لغو گردید. با توجه به این ادعا به نظر میرسد نظام اسلامی پیشنهاد تعهد برجامی دیگری را به آقای ترامپ ارائه دهد.

افزون بر این جمهوری اسلامی ادعا دارد قصد ساخت سلاح هسته ای ندارد. اما رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی، ۳ آوریل در مصاحبه با شبکه تلویزیونی آرژانتینی «La Nacion» گفت «ایران امروز سلاح هسته ای ندارد، اما بسیاری از مواد و قسمت های پازل ساخت یک سلاح هسته ای را به دست آورده است.» در ماه مارس گذشته نیز گروسی درباره افزایش ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد غنی شده ایران به مقدار ۲۷۵ کیلوگرم ابراز نگرانی کرد.

برای برنامه ریزی مذاکرات را مثبت ارزیابی کردند. پیش بینی میشود در صورت عدم توافق، افزون بر عملیات نظامی در یمن، آمریکا از طریق اسرائیل به تاسیسات زیر ساختاری ایران از جمله تاسیسات اتمی حمله کند. ترکیب این عملیات و وضعیت اقتصادی شکست خورده نظام اسلامی، میتواند خامنه ای را مجبور به عقب نشینی کند.

نظام اسلامی ادعا دارد که برنامه هسته ای ایران در دهه ۱۹۵۰ با کمک ایالات متحده تحت رژیم پادشاهی محمد رضا شاه پهلوی آغاز شد و ایران در آن زمان پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای را امضا کرد. مذاکرات اتمی بین ایران و سه کشور اروپایی در سال ۲۰۰۳ آغاز شد و پس از ۱۲ سال، توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در سال ۲۰۱۵ شکل گرفت که ایالات متحده آمریکا یکی از اعضای کلیدی این مذاکرات بود. تحت چارچوب برجام، ایران موافقت کرد که ذخایر اورانیوم غنی شده خود را ۹۸ درصد کاهش دهد، غنی سازی را در سطح ۳،۶۷ درصد متوقف کند و بازرسی های جامع آژانس بین المللی

پیرامون گزینه نظامی، رسانه اینترنتی ایرنا در تاریخ ۷ آوریل، از سوی «بنیاد تحقیقات ناظران» نوشت مقام‌های کاخ سفید می‌گویند این افزایش نیروها لزوماً به معنای اقدام نظامی قریب‌الوقوع نیست، اما در صورت درگیری با ایران برای هر سناریویی آماده است (۱). در این راستا لازم است یادآور شویم آقای ترامپ با نامه ای به آقای خامنه ای گزینه‌هایی از جمله برچیده شدن برنامه اتمی نظام، برچیده شدن نیروهای نیابتی و محدود کردن برنامه موشکی رژیم را اعلام داشت. نیروهای نیابتی رژیم در سوریه، لبنان، غزه و عراق با حملات هوایی و زمینی اسرائیل بی اثر و با تضعیف حزب الله لبنان، و سقوط دولت بشاراسد در سوریه تنها نیابتی باقی مانده حوثی‌های یمن است که آمریکا در حال پیکار با آنست.

برنامه موشکی ایران نیز از نظر آمریکا و اسرائیل از اهمیت چندانی برخوردار نیست زیرا با دو بار حملات موشکی ایران به اسرائیل، (حملات وعده صادق ۱ و ۲)، عدم کارایی آن آزمایش و ثابت شد. بنابراین تنها نکته باقیمانده در نامه ترامپ توقف برنامه اتمی ایران است. خامنه ای به این درخواست ترامپ نیز پاسخ مثبت داد و نشست برنامه ریزی مذاکرات در مسقط پایتخت عمان انجام و ادامه مذاکرات شنبه آینده در شهر رم پایتخت ایتالیا برگزار می شود.

علی‌الرغم ضعف کارایی موشک‌های نظام، ایران همچنان دارای زرادخانه کافی موشک و پهپاد است که می‌تواند منافع آمریکا را مورد تهدید قرار دهد. نیروی دریایی سپاه پاسداران نیز قادرست با قایق‌های تندرو مجهز به راکت و موشک تنگه هرمز و احتمالاً تنگه باب‌المندب را برای مدت کوتاهی مسدود کند.

نظام اسلامی در هنگام رهبری آیت الله خمینی در پایان جنگ ایران با عراق، سال ۱۹۸۸، نیز با وضعیت مشابهی روبرو بود. سپاه پاسداران نظام با قایق‌های تندرو با راکت به نفتکش‌ها حمله می کردند. رژیم اسلامی تهدیدهای آمریکا را نادیده گرفت که باعث ورود آمریکا به جنگ با ایران شد اگر چه بطور محدود. ناوشکن یواس اس وینستون وارد پیکار با ایران شد، منع پروازی بر آسمان خلیج فارس برای هرگونه



هواپیما از طرف ایران اعلام شد. چند ناو نیروی دریایی ایران توسط این ناوشکن غرق و هواپیمای ایران-ایر با بیش از ۳۷۰ سرنشین که از فرودگاه بندرعباس پرواز کرده بود در آبهای خلیج فارس ساقط و موجودیت نظام اسلامی درخطر قرار گرفت. رهبر کنونی آیت الله علی خامنه ای که در آن هنگام رئیس جمهور بود و آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس اسلامی، به خمینی توصیه کردند برای بقاء نظام می بایست به جنگ ایران و عراق و جنگ نفتکشها در خلیج فارس پایان داد. خمینی با قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل و نوشیدن جام زهری پایان جنگ اعلام و از سقوط نظام اسلامی جلوگیری شد.

خامنه ای با سیاست نگاه به شرق و حمایت از روسیه در جنگ با اوکراین امیدوار بود، روسیه در درگیری نظامی ایران با آمریکا از نظام اسلامی حمایت کند. در این راستا با برقراری رزمایش‌هایی بین نیروی دریایی ایران، روسیه و چین به مردم ایران تلقین کردند که در صورت درگیری با آمریکا نه تنها نیروی دریایی ایران میتواند در مقابل آمریکا بایستد، احتمال حمایت از جانب روسیه نیز وجود دارد؛ تنها امیدی واهی. در هفته گذشته معاون نخست وزیر روسیه در مجلس دومای آن کشور بصراحت بیان داشت در صورت درگیری نظامی بین ایران و آمریکا، روسیه وارد این پیکار نخواهد شد.

«بنیاد تحقیقات ناظر» تهدید کرده هر جنگ بزرگی در خاورمیانه پیامدهای جهانی خواهد داشت. رسانه اظهار میدارد حمله آمریکا و تخریب ناشی از آن می‌تواند به طور پارادوکسیکال ایران را به سمت ساخت و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای سوق دهد؛ قیمت نفت به شدت افزایش یابد؛ در نهایت، ممکن است پیامدهای انسانی ناشی از آلودگی رادیواکتیو در اثر حمله به تأسیسات هسته‌ای نیز رخ دهد. این اظهارات که در رسانه ایرنا بازتاب یافته بیانگر وحشت نظام از درگیری نظامی با آمریکا است. پس از حمله جنایتکارانه ۷ اکتبر حماس به اسرائیل که منجر به نابودی نیابتی‌های رژیم در خاورمیانه و سقوط بشار اسد شد، نظام متوجه اشتباه محاسباتی خود گردیده و میدانند با توجه به آمادگی نظامی آمریکا و اسرائیل و عدم حمایت کشورهای حامی نظام، از جمله روسیه، چین، و کره شمالی، نظام برای بقاء خود چاره ای بجز قبول خفت بار پیشنهادات ترامپ در مذاکرات اتمی را ندارد.

رسانه اینترنتی دوچه وله، ۲ آوریل ۲۰۲۵، پیرو افزایش تنش بین ایران و آمریکا، مقاله ای در باره استقرار نیروهای نظامی آمریکا منتشر کرده که اعلام میدارد پنتاگون به منظور تقویت موضع دفاعی و قدرت بازدارندگی، ایالات متحده دستور اعزام ناوهای نیروی دریایی آمریکا و اسکادرانهای هوایی بیشتری به خاورمیانه صادر کرده است (۲). از هفته پیش تاکنون ۶ بمبافکن بی-۲ به پایگاه دیگو گارسیا منتقل شده‌اند. از جمله تمديد مأموریت ناوگروه هری اس ترومن در حوزه عملیاتی سنتکام، اعزام ناوگروه هواپیمابر کارل وینسون، همچنین اعزام ناوگروه هواپیمابر یواس اس نیمیتز (یکی از بزرگترین شناورهای جنگی در جهان با رانش اتمی) نیز مأموریت خود را در غرب اقیانوس آرام آغاز کرده اند. پنتاگون در بیانیه خود با اشاره به اظهارات پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، افزوده است در صورتی که حکومت ایران یا نیروهای نیابتی آن تهدیدی را علیه پرسنل یا منافع ایالات متحده در منطقه انجام دهند، آمریکا «بی‌تردید به اقدام قاطع دست خواهد زد.» رسانه رویترز نیز بیانیه پنتاگون را بازتاب داده است.

کیهان لندن نیز از به نقل از رویترز می‌نویسد در پی آغاز دور جدیدی از درگیری‌ها در غزه و لبنان، حملات نظامی در یمن، تغییر زمامداران در سوریه و تبادل آتش بین اسرائیل و رژیم ایران، تهدیدهای ترامپ برای اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی، تنش‌ها در منطقه را بیشتر و کشورهای منطقه را نگران کرده است (۳). دولت‌های منطقه نگرانند در صورت درگیری نظامی بین ایران و آمریکا، نظام اسلامی کشورهای منطقه را مورد حمله موشکی قرار دهد. در این راستا دولت کویت اعلان داشت به هیچ‌هواپیمای جنگی از آسمان کویت بر علیه ایران را نخواهد داد.

از سوی تیمی بروس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، روز دوشنبه ۳۱ مارس در پاسخ به پرسشی درباره "محدودیت زمانی" مذاکرات، تاکید کرد «رفتار ایران در سراسر جهان منافع ملی آمریکا را تهدید می‌کند، به همین دلیل پرزیدنت ترامپ کارزار فشار حداکثری را دوباره اعمال کرد تا به تهدید هسته‌ای ایران پایان دهد، برنامه موشک‌های بالستیک آن را

محدود کند و مانع حمایت ایران از گروه‌های تروریستی شود.»

رهبر علی خامنه ای و سران سیاسی-نظامی اش در رویارویی با آمریکا نگران سقوط نظام توسط مردم ایران هستند و به دنبال چاره جویی. روایت «امت اسلامی» که مدت ۴۶ سال بکار برده اند را کنار گذاشته و روی به تاریخ کهن ایران از ناسیونالیسم ایرانی صحبت به میان آورده اند. در این راستا رئیس ستاد نیروهای مسلح نظام، سرلشگر محمد باقری، ضمن پیامی به همسایگان ایران هشدار داده «امیدوارم با رویکردی که جمهوری اسلامی در روابط با همسایگانش دارد با دوستی و اخوت زندگی خوبی را برای مردمان مان داشته باشیم (۴).» وی در پیام نورزی در حاشیه دیدار از بنای تاریخی تخت جمشید برای مردم سال خوش و پر برکتی آرزو کرده و می گوید امسال خیر و نیکی و آرامش برای «ملت» ایران باشد.

اقدامات جنایتکارانه نظام اسلامی به رهبری خمینی و خامنه ای مردم و کشور ایران را در وضعیت بسیار بحرانی و خطرناک تاریخی قرار داده است. مردم ایران نگرانند، آیا مذاکرات اتمی سرانجامی خواهد داشت؟ گزینه های قابل قبول آمریکا درباره برنامه اتمی ایران کدامند؟ بعضی تحلیلگران گزینه مشابه حل برنامه اتمی لیبی را محتمل می دانند، که ایران برنامه اتمی خود را بطور کامل کنار بگذارد. گزینه دیگر آنکه نظام با بازدید صد در صدی بازرسان آژانس بین الملل انرژی اتمی زیر نظر آمریکا توافق کند. پیش بینی می شود خامنه ای برای بقاء نظام به هر گزینه مورد توافق ترامپ تن دهد تا از رویارویی نظامی با آمریکا جلوگیری شود. آیا گزینه ای انتخاب خواهد شد که به نفع مردم ایران باشد؟ افزون بر این وظیفه اپوزیسیون نظام در این برهه سرنوشت ساز تاریخ ایران چیست؟ در حال حاضر تنها می توان حدس و گمانه داشت، اما مردم و اپوزیسیون باید برای هر سناریویی آماده باشند.

از سوی وزیر خارجه ایران همراه با معاون سیاسی مجید تخته روانچی و معاون بین الملل و حقوقی غریب آبادی، اسمائیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه ایران و مشاورت دیگران

از جمله محمد جواد ظریف میتواند در برابر مذاکره کننده ترامپ آقای ویتکاف دست بالا داشته باشد. گفته میشود ویتکاف روسیه ای اصل در دنیای سیاست خارجی تجربه کافی ندارد. اگر چه هر دو طرف در هرگونه موردی باید با کشورهای خود بررسی و توافق نمایند. در آمریکا هم اگر بظاهر دولتمداران کنونی بیشتر تاجرند تا سیاستمدار، ولی در پس پرده دولت ترامپ هم سیاستمداران باتجربه قرار دارد که میتوانند جلوی تزویر و ریاکاریهای مذاکره کنندگان ایران را بگیرند.

در پایان اگر در مذاکرات اتمی با آمریکا توافقی رخ دهد تکلیف مردم ایران که برای عبور از نظام اسلامی بارها به پاخاسته، به میدان آمده و هزینه جانی و مالی داده اند چه خواهد بود؟ احتمالاً هر گونه توافقی، تحریم ها و تورم را کاهش می هد، و وضع معیشتی مردم کمی بهبودی خواهد یافت. اما مردم ایران تجربه توافق برجام را پشت سر دارند، که درصد بسیار بالای درآمدها در راه تقویت نیروهای نیابتی و مافیای اقتصادی نظام به یغما رفت.

بنابراین عزم راسخ مردم و اپوزیسیون باید بر عبور از نظام اسلامی تمرکز یابد. مردم ایران با خیزش های چند دهه گذشته بوژه جنبش «زن-زندگی-آزادی» هزینه های جانی و مالی را از یاد نخواهند برد. امید است این وضعیت بحرانی باعث گردد مردم و اپوزیسیون مسمم تر از هر زمانی برای عبور از نظام اسلامی آمادگی داشته باشند، اختلافات و منافع گروهی را کنار گذاشته و دست در دست هم بدون توجه به هرگونه توافقی بین نظام اسلامی و آمریکا، راسختر در راه براندازی نظام اسلامی گام بردارند.

ناخدا محمد فارسی

۱۴ آوریل ۲۰۲۵

1 - <https://www.irna.ir/news/85796071/>

2 - <https://www.dw.com/fa-ir//s-9993>

3 - <https://kayhan.london/1404/01/17/373976/>

4 - <https://www.irna.ir/news/85793832/>

* مادلن ریفو، شاعر سنگرها

کشیدند»، «فرانسه شکست نخورده است.»

رنج‌های فراموش‌نشده

مانند بسیاری از دانشجویانی که با وجود خطرات پیوستن به مقاومت، وارد مبارزه می‌شدند، مادلن در دانشگاه‌ها سخنرانی می‌کرد، تراکت پخش می‌کرد و جوانان را به شورش فرامی‌خواند. کشته شدن یکی از دوستانش با شلیک از پشت، خشم او را شعله‌ور کرد. در ۲۳ ژوئیه ۱۹۴۴ داوطلب مأموریتی شد: ترور یک سرباز آلمانی. او یکی را تنها روی پل سلفرینو دید، دو گلوله به شقیقه‌اش شلیک کرد. هیچ‌گاه این لحظه را فراموش نکرد؛ کشتن یک انسان، حتی یک نازی، تجربه‌ای دردناک بود. با دوچرخه فرار کرد، اما بلافاصله با خودروی رئیس پلیس ورسای، که با همسرش در گردش بود، تصادف کرد.

دشمن او را «تروریست» خواند و به دفتر گشتاپو در خیابان سوسه منتقل شد، جایی که شکنجه شد. هنوز هم توصیف درد آن شکنجه‌ها برایش سخت است. ضرب‌وشتم، شکستن فک و بینی، و شکنجه دیگر زندانیان جلوی چشمانش برای درهم شکستن او؛ بخشی از رنج سه‌هفته‌ای اش بود. ولی حرف نزد. نزدیک بود تیرباران شود، اما در لحظه آخر به دلیل تبادل زندانیان از تبعید نجات یافت. در ۱۹ اوت ۱۹۴۴، به فرمان سرهنگ رول-تانگی، مقاومت مردم پاریس به شورش عمومی تبدیل شد. در ۲۰ سالگی، به درجه ستوانی در نیروهای فرانسه آزاد (FFI) رسید و بلافاصله فرماندهی تصرف یک قطار آلمانی در بوت-شومو را به‌عهده گرفت. با فروپاشی رایش سوم، نگاهش به جنگ‌های آینده دوخته شد: پایان دادن به استعمار در هند و چین، سپس در الجزایر. به عنوان خبرنگار جنگی روزنامه اومانیته و همواره شاعر، این زن قهرمان، قرن بیستم را با دشمنی با هر نوع ستم، درنوردید.

منابع: (Madeleine, résistante)، اثر ژان-دیوید موروان، برتای، ریفو، انتشارات دوپو-ور
Les 7 Vies de Madeleine Riffaud، اثر خورخه آمات، دوریان فیلمز



تنها در ۲۰ سالگی، مادلین به درجه ستوانی نیروهای فرانسه آزاد ارتقا یافت و بلافاصله مصادره یک قطار آلمانی را در-Buttes Chaumont رهبری کرد

یک ماجرای زنانه

با توجه به اینکه بیش از یک و نیم میلیون سرباز فرانسوی در اسارت آلمان بودند، زنان نیز نقشی محوری در جنبش مقاومت ایفا کردند. مادلن ریفو در رمان تصویری ژان-دیوید موروان به این موضوع اشاره می‌کند. او روزها در مدرسه مامایی تحصیل می‌کرد و شب‌ها با نام مستعار «راینر» - ریلکه - در عملیات مقاومت فعالیت می‌کرد. خودش در گفت‌وگویی با نشریه «تیلراما» در سال ۲۰۲۱ گفته بود: «من هیچ‌گاه از آلمانی‌ها متنفر نبودم، فقط از نازی‌ها». فعالیتش با انتقال بسته‌هایی چون آچار مخصوص برای خرابکاری در خطوط قطار آغاز شد، اما به سرعت به جایگاه رهبری در گروهی از دانشجویان مقاومت رسید. وظایفش دشوارتر شد: تهیه آذوقه برای فراری‌ها، جذب نیرو، دزدی مواد غذایی، ماشین تایپ، بلیت جیره‌بندی، تدارک مخفیگاه، حمله به انبارهای اسلحه... اما در مستندی از خورخه آمات، به‌سادگی می‌گوید: «کار خاصی نکردم» و همچنان خودش را ضدقهرمان می‌داند. در مارس ۱۹۴۴ به فرانک-تیرورها و پارتیزان‌ها (FTP)، شاخه مسلح مقاومت که توسط کمونیست‌ها پایه‌گذاری شده بود، پیوست. در میانه جنگ، عشقش به ادبیات و شعر حفظ شد و از آن نیرو گرفت. با گچ سفید، دیوارهای پایتخت را با شعرهای خود پوشاند: «پیروز شو و زندگی کن»، «صلیب آهنین، صلیب چوبی، عشق را دوباره به صلیب

جنبش چپ و کمونیستی در فرانسه تاریخی پرافتخار دارد. این سلسله یادداشت‌ها لحظه‌هایی از این تاریخ و آفرینندگان آن را بررسی کرده است. اخبار روز به تدریج این سلسله یادداشت‌ها را که در روزنامه‌ی اومانیته منتشر شده است، باز نشر می‌کند. از نوجوانی وارد مقاومت شد و یک سرباز آلمانی را روی پل سلفرینو کشت. سلاح به دست در آزادسازی پاریس شرکت کرد. این زن ادیب و ضد استعماری، بعدها خبرنگار و گزارشگر برجسته روزنامه اومانیته شد. همه‌چیز با «لگدی به پشت» از سوی یک افسر آلمانی آغاز شد. این تحقیر بود که مادلن ریفو، دختر ۱۶ ساله را بر آن داشت تا به مقاومت بپیوندد؛ با یک هدف روشن: آزاد کردن فرانسه از اشغالگران. چه در برابر نازی‌ها، چه در برابر بیماری، او چاره‌ای جز مبارزه نداشت. به سل ربوی مبتلا شد و در سال ۱۹۴۱ خانواده‌اش را ترک کرد تا به آسایشگاه دانشجویی در سنت-ایلر-دو-توه در ایزر برود. در طول اقامتش در این مرکز - که بعدها فهمید پرستارانش یهودیان مجروح و کسانی که از خدمت کار اجباری (STO) فرار کرده بودند را پنهان و درمان می‌کردند - فقط یک دغدغه داشت: بهبودی و پیوستن به مبارزه برای آزادی میهن. در همان‌جا با مارسل، اولین عشق زندگی‌اش آشنا شد؛ کسی که او را وارد شبکه مقاومت کرد. در ۱۹۴۲، پس از بهبودی، به پاریس رفت و به ارتش مخفی مقاومت پیوست.

حقوق بشر در آستانه

نظم بین‌الملل هر چه باشد، پیامدهای آن برای حقوق بشر هنوز عمدتاً به خوبی بررسی نشده است. دلیل این کوته‌بینی جمعی بسیار ساده است. اغلب بحث‌ها درباره‌ی چشم‌انداز آینده‌ی حقوق بشر معمولاً مزیت‌ها و محاسن خود اقدامات حقوق بشری را مد نظر قرار می‌دهند: چه دستاوردهایی داشته است و این که آیا پیشرفت‌ها در قانونگذاری، معاهدات بین‌المللی، نهادسازی و تعهد سیاسی حکومت‌ها ممکن است به پیشرفت‌هایی در جهان واقعی منجر شود یا خیر. انجام این ارزیابی‌ها اگر هم از نظر تجربی ناممکن نباشد دست‌کم ماهیتی غیرعینی دارد: نقض حقوقی که به خاطر اثر بازدارنده‌ی معیارهای حقوق بشری روی نداده است، چیزی نیست که بتوان آن را کمی کرد.

نتایج این رویکرد پیش‌بینی‌پذیر است. کسانی که در تلاش‌های حقوق بشری پیشرفت مشاهده می‌کنند به این نتیجه می‌رسند که (با اقتباس از عنوان کتابی مشهور از پژوهشگر دانشگاه هاروارد، کاترین سیکینک) «قراین و شواهدی برای



امیدواری «وجود دارد. در مقابل، کسانی که این تلاش‌ها را موفقیت‌آمیز نمی‌دانند پیش‌بینی می‌کنند که (با اقتباس از اصطلاح تاریخ‌نگار دانشگاه بیل، ساموئل موبین) این «آخرین آرمان‌شهر، ... واپسین روزگار «خود را می‌گذارند. در این میان، گروه بزرگی از منتقدان رهنمودهای خود را برای مواجهه با افول جهانی مرجعیت اخلاقی هنجارهای حقوق بشری ارائه می‌کنند. این رهنمودها شامل اموری از این دست می‌شود: «بازآفرینی» از این هنجارها به منظور «عملگرایی» از کردن آنها، «استعمارزدایی» از نهادهای حقوق بشری یا تغییر تمرکز آنها به مسائلی مانند نابرابری اقتصادی، تغییرات اقلیمی، یا صرفاً حقوق «اساسی» مدنی و سیاسی.

که تا چه اندازه به نظم بین‌المللی پس‌اجنگ جهانی دوم و غرب‌محور اتکا داشته است و افول چنین نظامی چه معنایی برای نظام حقوق بشر جهانی و اندک حمایتی دارد که برای مردم در سراسر جهان فراهم آورده بود. همچنین، جنبش‌های حقوق بشری باید مسئولیت خود را در برابر وابستگی و اتکا به روش‌ها و راهبردهایی که مدت‌ها است بازده نزولی آنها مشخص شده، بررسی کنند. برای توضیح علت از بین رفتن حمایت از حقوق بشر در سراسر جهان، عوامل بسیاری می‌توان ذکر کرد.

ازجمله پراجاع‌ترین عوامل می‌توان به این موارد اشاره کرد: افول دموکراسی در سطح جهان، افزایش قدرت و نفوذ کشورهای مستبد، توانایی دولت‌ها برای مقاومت در برابر فشارهای خارجی با کمک گرفتن از متحدان مستبدشان، برآمدن جنبش‌های غیرلیبرال و پوپولیستی (ازجمله در ایالات متحده و سایر لیبرال دموکراسی‌های باسابقه)، تأثیر اخبار ساختگی و شبکه‌های اجتماعی بر اعتماد عمومی، این استنباط که حقوق بشر از پرداختن به نابرابری‌های جهان ناتوان است، شورای امنیت سازمان مللی که به بن‌بست رسیده و چندجانبه‌گرایی را ناممکن ساخته است، تأثیر انباشت دهه‌ها استاندارد دوگانه‌ی غرب در مواجهه با بحران‌ها و تعارض‌ها. دلایل این تغییرات گسترده و فراگیر

آیا حقوق بشر می‌تواند به‌رغم افول هژمونی جهانی غرب به بقای خود ادامه دهد؟ بی‌شک این پرسش برای حامیان حقوق بشر اگر کفرآمیز نباشد دست‌کم آزارنده است زیرا دقیقاً همان اصولی را نفی می‌کند که حقوق بشر بین‌الملل همواره بر آن استوار بوده است: ادعای جهانشمولی، تکیه بر هنجارهای بی‌طرفانه‌ی بین‌المللی و پیشینه‌ی روشن آن در پاسخگو کردن حکومت‌های غربی و غیرغربی به‌خاطر زیر پا گذاشتن حقوق بشر. علاوه بر آن، این استدلال که حقوق بشر در اصل یک امر تحمیلی غربی است همواره حربه‌ی محبوب

حکومت‌های ناقض حقوق بشر برای نپذیرفتن تحقیق و تفحص‌های بین‌المللی و آزار و اذیت فعالان حقوق بشری در داخل کشور بوده است. اما خطری بزرگ‌تر از آزارندگی یا ترس در کمین است: اگر حقوق بشر نتواند جریان قهرقهرایی کنونی‌اش را متوقف کند، افول تأثیر و نفوذ آن تداوم خواهد یافت و اثربخشی‌اش به شکلی عمیق‌تر زیر

سؤال خواهد رفت. درست است، لازمه‌ی کار کردن در حوزه‌ی حقوق بشر - کاری که بیش از دو دهه افتخار انجامش را داشته‌ام - داشتن مقدار مشخصی خوش‌بینی است. هرچه باشد تلاش برای اصلاح، یا دست‌کم تعدیل، رفتار دولت‌ها از طریق حقوق بین‌الملل همواره چالش‌برانگیز، مناقشه‌آمیز و متزلزل خواهد بود. همواره باید انتظار شکست را داشت. باین‌همه، کار ممکن است به جایی برسد که خوش‌بینی احساس طفره رفتن از پذیرش حقیقت را القا کند. درحالی‌که تحولات ژئوپولیتیکی در مقیاسی وسیع موجب ایجاد تغییراتی ژرف در نظام بین‌الملل می‌شود و دولت‌ها مجدداً حاکمیت و امنیت را بر همکاری و حکمرانی جهانی مرجح می‌شمارند، جنبش حقوق بشر دیگر نمی‌تواند این مسئله را نادیده بگیرد

آنچه این رویکردها نادیده می‌گیرند این است که سرنوشت حقوق بشر بیش از آن که متکی بر تلاش‌های جنبش حقوق بشری باشد وابسته به ساختارهای نظم بین‌الملل و نحوه تأثیر این ساختارها بر تعامل بین دولت‌ها است. حقوق بشر بین‌الملل، به عنوان رهاورد جانبی نظم پساجنگی که اکنون رو به افول است، اگر می‌خواهد در نظام بین‌المللی دگرگونی‌یافته و نامساعد کنونی به بقای خود ادامه دهد باید هر چه سریع‌تر راهی بیابد تا بتواند بدون اتکا به این نظام بین‌الملل پابرجا بماند.

از زمان پیدایش نظام حاکمیت‌محور وستفالی در سال ۱۶۴۸ تا پایان جنگ جهانی دوم، این ایده که دولت‌های مستقل نسبت به مردم تحت حاکمیتشان قدرت مطلق ندارند، کفر به حساب می‌آید.

غزه، آخرین مورد در فهرست بلندبالای موارد ناتوانی جامعه بین‌الملل در جلوگیری از بروز خشونت گسترده، یک چیز را روشن کرده است: اکنون، مسئله‌ای که پیش روی تلاش‌های حقوق بشری قرار دارد دیگر پیشرفت‌ها و ناکامی‌های مقطعی، پیشرفت تدریجی به‌رغم ناملایمات تاریخی و تعیین مؤثرترین راهبردها نیست. بلکه مسئله این است که آیا حقوق بشر - که در اینجا معنای وسیع آن مد نظر است و شامل دغدغه‌های بشردوستانه نیز می‌شود - در مواجهه با یک نظم جهانی جدید خواهد توانست موضوعیت خود را در عرصه سیاست بین‌الملل حفظ کند و آیا قادر خواهد بود تا از جایگاه خود به عنوان راهنمای حقوق بین‌الملل و دیپلماسی نهادینه‌شده بین دولت‌ها محافظت کند یا خیر.

اکنون نظام‌های استبدادی ۳۵ درصد از اقتصاد جهان را در دست دارند که نسبت به سال ۲۰۰۰، ۱۰ درصد افزایش یافته است. سهم اروپا در اقتصاد جهانی در ۲۵ سال گذشته نصف شده است. قدرت‌های متوسط جهان که آشکارا رویکردی خصمانه یا ضدونقیض نسبت به رژیم حقوق بشر بین‌الملل دارند - یعنی کشورهایمانند روسیه، ترکیه، هند و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس - همگی به سهم خود اهمیت فراوانی در اقتصاد پیدا کرده‌اند. به‌رغم آن که اقتصاد چین، دومین اقتصاد بزرگ جهان، نشانه‌هایی از رکود نشان می‌دهد اما هنوز هم مهم‌ترین شریک

تجاری تقریباً تمام کشورهای در حال توسعه و اولین و آخرین مرجع وام‌دهنده به این کشورها است و مساعدت‌های مالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. این تحولات خواه مثبت باشد یا نه به هر حال نشان از این دارد که توزیع قدرت در جهان نسبت به دو دهه‌ی گذشته تغییری بنیادین پیدا کرده است.

انتخاب دونالد ترامپ به این جریان شتاب بیشتری خواهد بخشید زیرا منجر به این خواهد شد که ایالات متحده از تصدی‌گری نظام بین‌الملل کنار بکشد، از تعلق خاطر خود به آرمان لیبرال دموکراسی دست بردارد، نسبت به قوانین و توافق‌های بین‌المللی بی‌اعتنایی نشان دهد، به رژیم‌هایی که مسبب خشونت‌های فاحش‌اند مشروعیت ببخشد، و انسجام دیرینه بین قدرت‌های غربی بر سر مسائل حکمرانی جهانی را تضعیف کند. به طور کلی، رونق اقتصادی بی‌نظیر آمریکا می‌تواند موجب سقوط همان نظم پساجنگی شود که روزگاری برای ساختن آن تلاش بسیاری کرده بود.

اگر حقوق بشر می‌خواهد موضوعیت و کارایی خود را حفظ کند باید این فکر غیرمنطقی را که سیر تاریخ در نهایت به عدالت منتهی خواهد شد، کنار بگذارد. در عوض باید با این واقعیت کنار بیاید که نظم بین‌المللی‌ای که به پشتوانه‌ی آن توانست در سراسر جهان گسترش بیابد تا حد زیادی حاصل استیلاي غرب و از همه مهم‌تر تفوق ایالات متحده بود. با افول این هژمونی، حمایت‌ها از این نظام بین‌الملل نیز کاهش خواهد یافت، به‌ویژه در خصوص سازوکارهایی که برای نظارت بر اجرای معاهدات حقوق بین‌الملل و توجه به حقوق بشر طراحی شده‌اند.

گسترش جهانی حقوق بشر عمدتاً مدیون عجین‌شدنش با سازمان ملل، این رکن اساسی نظم بین‌الملل در دوران پساجنگ، است. به‌رغم محدودیت‌های این سازمان و موازنه‌ای که از طریق اصل «عدم مداخله در امور داخلی» دولت‌های عضو ایجاد شده بود، این عجین‌شدن جایگاهی در اختیار حقوق بشر قرار داد تا بتواند به دستورالعملی مشروع در دیپلماسی بین‌المللی و بعدتر به حوزه‌ای گسترده از حقوق بین‌الملل تبدیل شود.

بر خلاف دوران پیش از جنگ جهانی دوم که در آن حاکمیت دولت تقریباً مطلق بود، گزاف نیست اگر از ظهور یک «انقلاب حقوق بشری» در دوران پساجنگ سخن بگوییم. برای نخستین بار افراد در حقوق بین‌الملل (قوانینی که بر روابط بین دولت‌ها حاکم است) صاحب جایگاهی حقوقی شدند. آنچه که اهمیتی مشابه، اگر نگوییم بیشتر، داشت انقلاب دیپلماسی‌ای بود که حقوق بشر رقم زد: برای نخستین بار در تاریخ روابط بین‌الملل، معیاری وجود داشت که از دولت‌ها انتظار می‌رفت بر اساس آن عمل کنند و در قبال نحوه‌ی رفتار با مردمی که در قلمرو قضایی‌شان بودند باید به همان مجمعی پاسخگو می‌بودند که محل به رسمیت شناخته‌شدن حاکمیتشان بود. متعاقباً، جنبش حقوق بشر از مجموعه‌ای از تحولات در سیاست جهانی منتفع شد: استعمارزدایی، «امواج» متوالی دموکراتیک، پیامد جنگ سرد و فروپاشی شوروی. هر یک از این تحولات، حقوق بشر را الهام‌بخش و نیروی پیش‌راننده‌ی خود می‌دانست.

اگر چه نهادهای غرب‌محور پساجنگ شرایط را برای انتشار آرمان‌های حقوق بشری آماده کرد اما اغلب پیشرفت‌هایی که در تعهد دولت‌ها به حقوق بشر ایجاد شد - از جمله طراحی و تصویب میثاق‌های بین‌المللی - نتیجه‌ی حمایت و رایزنی‌ها از پایین بود و اغلب ارتباطی با تعهد دولت‌ها به خود حقوق بشر نداشت (برای مثال، در دوران جنگ سرد تصور بر این بود که حقوق بشر چماق ایدئولوژیک مفیدی علیه اردوگاه کمونیسم است). دولت‌هایی که اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را امضا کردند و بعدتر میثاق‌های حقوق بشری بین‌المللی را تصویب کردند احتمالاً پیش‌بینی نمی‌کردند که این اسناد، که فاقد هرگونه سازوکار الزام‌آور بودند، چنین جذابیت گسترده‌ای و رای راهروهای سازمان ملل پیدا کنند و متخصصان حقوقی و کنشگران از آنها برای اعمال فشار بر حکومت‌ها به منظور رعایت این اصول استفاده کنند.

امروزه کشورهای که مخالف اصل مسئولیت‌پذیری حقوق بشرند رو به افزایش است

آنچه در ابتدا از نظر دولت‌ها گزاره‌هایی مترقی و اندکی تعهدات سختگیرانه بود به چیزی کاملاً متفاوت تبدیل شد: یک ایدئولوژی بسیار محبوب - که منجر به ایجاد گروهی از سمن‌ها، از جمله عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر شد - موضوعی مهم در رسانه‌های ملی و بین‌المللی، و عاملی اساسی در رشد تصاعدی حقوقدانان، پژوهشگران، کنشگران، انتشارات، برنامه‌های دانشگاهی و هواداران در سراسر جهان.

این انتظار که دولت‌ها باید حقوق افراد را رعایت کنند و در برابر مجمع ملل پاسخگو باشند، نوآورانه بود. از زمان پیدایش نظام حاکمیت‌محور وستفالی در سال ۱۶۴۸ تا پایان جنگ جهانی دوم، این ایده که دولت‌های مستقل نسبت به مردم تحت حاکمیتشان قدرت مطلق ندارند، کفر به حساب می‌آمد. هنگامی که گزارش‌ها درباره‌ی دستگیری‌ها و اخراج یهودیان و سایر «دشمنان مردم» در آلمان نازی در ابتدای دهه‌ی ۱۹۲۰ به دست وزارت خارجه‌ی ایالات متحده رسید، استنتاج واشنگتن این بود که این سیاست‌ها، هر اندازه هم که اسفناک باشد، جزئی از حق آلمان به عنوان دولتی مستقل است. دو جنگ جهانی و یک هولوکاست لازم بود تا این دیدگاه مطلق‌گرا درباره‌ی دولت‌های مستقل پایان یابد. اما تنها در دهه‌ی ۱۹۹۰ بود که شاخصه‌هایی که اکنون جزئی جدایی‌ناپذیر از نظام حقوق بشر محسوب می‌شوند، عمدتاً در واکنش به جنگ‌های بالکان و نسل‌کشی در رواندا، نهادینه شدند: مطالبه‌ی پاسخ‌گویی، مسئولیت در قبال حفاظت از مردم در برابر جنایات علیه بشریت، تأسیس سازوکارهای تحقیقی زیر نظر سازمان ملل و استفاده‌ی فزاینده از تحریم‌های اقتصادی علیه حکومت‌های سرکش.

با این همه، امروزه کشورهای که مخالف اصل مسئولیت‌پذیری حقوق بشرند رو به افزایش است. «حامیان» سنتی غربی ادغام حقوق بشر در تار و پود روابط بین‌الملل دیگر انحصار اهرم‌های اقتصادی قدرت مادی را در اختیار ندارند. علاوه بر از دست رفتن این اهرم‌ها، کشورهای که هنوز نقشی عمده در حمایت از نظام حقوق بشری پسا‌جنگ دارند در تعهد خود به حقوق بشر با تردیدهایی

مواجه شده‌اند. در بسیاری از پایتخت‌های کشورهای اروپایی دیگر مسئله این نیست که چگونه تعهدات اعلامی خود را در عمل اجرا کنند بلکه پرسش این است که آیا اصولاً باید چنین تعهداتی را بر عهده گرفت یا خیر. «جنگ علیه تروریسم»، برخورد سختگیرانه‌تر با مهاجران و پناهندگان، و از دست رفتن حریم خصوصی افراد، تعهدات حقوق بشری را با استثناء‌های زیادی مواجه کرده و موجب تضعیف جایگاه لیبرال‌دموکراسی‌ها شده و از توانایی آنها برای اعمال فشار بر دولت‌های غیرغربی در رابطه با مسائل حقوق بشری کاسته است.

این امر پیامدهای گسترده و بنیادینی دارد. مشروعیت بررسی‌ها و بازرسی‌های حقوق بشری با مخالفت‌های بیشتری مواجه خواهد شد. دولت‌های بزرگ و کوچک از اولویت دیپلماسی مبتنی بر حقوق بشر بیش از پیش خواهند کاست. قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در حال ظهور ممکن است به شکلی انتخابی به آن دسته از مسائل حقوق بشری بپردازند که با منافعشان سازگار است یا تلاش‌های خود را برای تضعیف این نظام دوچندان کنند. چین، که مدت‌ها است آرمان‌های حقوق بشری را عاملی بی‌ثبات‌ساز برای حاکمیت حزب کمونیست چین می‌داند، به احتمال زیاد به تلاش‌های خود برای تشکیل ائتلافی بزرگ از دولت‌هایی که از نظر ایدئولوژیک یا از روی فرصت‌طلبی مخالف مسئولیت‌پذیری در زمینه‌ی حقوق بشرند ادامه خواهد داد تا کارکردهای حقوق بشری سازمان ملل را مختل کند و در نهایت آن را از اقتدار تهی کند. چین متحدان مشتاق بسیاری را در میان رژیم‌های خودکامه خواهد یافت.

تهی‌شدن نظام حقوق بشر از اقتدار پیامدهای درازمدت ناگواری خواهد داشت زیرا حکومت‌های بیشتری جرئت پیدا خواهند کرد تا دستورالعمل‌های حقوق بین‌الملل را زیر پا بگذارند، مخالفانشان را سرکوب کنند، حقوق اقلیت‌ها را محدود کنند، برابری جنسیتی را ملغی کنند، آزادی بیان را محدود کنند، به بهانه‌ی «امنیت ملی» برای حقوق اساسی مردم استثناء‌های بیشتری قائل شوند، و نسبت به مطالبه‌ی مسئولیت‌پذیری بی‌اعتنایی نشان دهند، زیرا اطمینان دارند که می‌توانند آن اندازه حمایت سایر دولت‌ها را جلب کنند که با وجود

سر باز زدن از پاسخ‌گویی، هیچ عواقبی دامن‌گیرشان نشود.

بخش عمده‌ی جهان همواره غیردموکراتیک بوده است. نظام‌های خودکامه با اصول متعدد قانون بین‌المللی حقوق بشر سازگاری ندارند، اصولی مانند آزادی بیان، آزادی اجتماعات، و حق مشارکت در حکمرانی یا انتخابات آزاد.

انباشت این تحولات احتمالاً منجر به کاهش تعداد، منابع و نفوذ اقدامات حقوق بشری خواهد شد، به ویژه در کشورهای که استقلال جامعه‌ی مدنی از ضمانت مستحکمی برخوردار نیست. این امر باعث خواهد شد تا زمین بازی به نفع نظام‌های خودکامه تغییر پیدا کند و منجر به بازگشت برداشتی از حاکمیت دولت خواهد شد که توجه به حقوق بشر و دغدغه‌های بشردوستانه را، هر اندازه هم که برای صلح بین‌المللی حیاتی باشند، ناممکن خواهد کرد.

***چالش اصلی کنونی، تطابق یافتن با ساختار متغیر سیاست جهانی مبتنی بر دولت‌ها است. کارکرد اساسی رژیم حقوق بشر بین‌الملل این است که حکومت‌ها را موظف کند تا برای موجه کردن اقداماتشان آنها را با مجموعه‌ای از هنجارهای فرادولتی درباره‌ی نحوه‌ی رفتار با مردم، مطابقت دهند. زمانی که دولتی این هنجارها را زیر پا می‌گذارد، مشروعیتش آسیب می‌بیند و این خطر وجود دارد که سایر اعضای جامعه‌ی بین‌المللی او را طرد کنند - امری که، با توجه به ماهیت ذاتاً خصمانه‌ی روابط بین‌الملل، دولت‌ها همواره سعی دارند از آن اجتناب کنند.

معترضان در ایران، چین، افغانستان یا روسیه باور چندانی به این ندارند که دادگاه‌های بین‌المللی بتوانند به فریادشان برسند - با این حال آنها از زبان حقوق بشر استفاده می‌کنند زیرا این کار به آنها اجازه می‌دهد تا از موقعیت‌های داخلی نه‌چندان امیدبخششان فراتر بروند و کوشش‌ها و مبارزات خود را در متن سیاست جهانی قرار دهند و به‌این‌ترتیب حکومت‌هایشان را مجبور به پاسخ‌گویی در عرصه‌ی بین‌المللی کنند.

هرچند این اقدام معمولاً برای مهار دولت‌های قدرتمند یا دولت‌هایی که ابایی از طرد بین‌المللی ندارند، کافی نیست اما در مقایسه با دوران پیش از جنگ جهانی دوم به نظر می‌رسد رژیم حقوق بشر اثر تعدیل‌کننده‌ای بر رفتار دولت‌ها داشته است.

اما واقعیت تلخ این است که حقوق بشر جایگاه کنونی خود را در این نظم جهانی تنها به این علت توانسته است به دست آورد که جغرافیای سیاسی نظر مساعدی نسبت به ارزش‌ها و ترجیحات لیبرال دموکراسی‌های عمدتاً غربی داشت و قدرتمندترین بازیگر نظام بین‌الملل، یعنی ایالات متحده، از آن حمایت می‌کرد. چالشی که با آن مواجه‌ایم کمبود هنجارها نیست بلکه توانایی جلب حمایت برای اجرای هنجارهای موجود است.

جنبش حقوق بشر همچنین باید به بررسی نقش خود در بروز ناراضی‌های فزاینده‌ای که با آن مواجه است، بپردازد. تقریباً حدود هشت دهه پس از تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، به نظر می‌رسد هرگونه دفاعی از دستاوردهای اقدامات حقوق بشری مصنوعی و با وجود فجایع جاری بی‌معنا است. اقداماتی که برای دفاع از حقوق افراد و گروه‌ها صورت می‌گیرند همواره ارزشمندند. اما پرسش اصلی این است که اگر هدف ما تأثیرگذاری نظام‌مند بر رفتار دولت‌ها است آیا هنوز هم صرف انرژی و زمان برای اقدامات حقوق بشری، راه درستی محسوب می‌شود؟

مایه‌ی تأسف است که بخش عمده‌ی جهان همواره غیردموکراتیک بوده است. نظام‌های خودکامه با اصول متعدد قانون بین‌المللی حقوق بشر سازگاری ندارند، اصولی مانند آزادی بیان، آزادی اجتماعات، و حق مشارکت در حکمرانی یا انتخابات آزاد. از آنجا که تحقق کامل حقوق بشر به آن شکل که در حقوق بین‌الملل تعریف شده است در نهایت مستلزم فرایند دموکراسی‌سازی – و در نتیجه تغییر رژیم – است برابند فعالیت‌های حقوق بشری در کشورهای خودکامه عبارت است از مخالفت سیاسی با نظام مستقر. نظام‌های خودکامه همواره به این مسئله آگاهی داشته‌اند و در نتیجه با حقوق بشر به عنوان یک تهدید و با کنشگران حقوق بشری به عنوان ناراضیان سیاسی و با

انتقادهای حقوق بشری به عنوان عوامل سیاسی مؤثر در ایجاد بی‌ثباتی برخورد کرده‌اند. پنداری واهی است اگر انتظار دیگری داشته باشیم و باید در پیش‌بینی و کسب آمادگی نسبت به واکنش‌های رژیم‌های خودکامه، مانند «کوچک‌تر شدن فضای مدنی»، تعقیب و آزار گنشگران حقوق بشر و تحریک احساسات ملی‌گرایانه، بهتر عمل می‌کردیم.

هر توضیحی که برای ناکامی اقدامات حقوق بشری داشته باشیم اما این امر نیز حقیقت دارد که اغلب انتقادهایی که به این اقدامات وارد می‌شود مبتنی بر تناقضی بینادین است: اگر بپذیریم که نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، شکنجه، استثمار اقتصادی، استعمار، تبعیض و بی‌توجهی به حقوق بین‌الملل شنیع و شرم‌آورند پس باید نظامی ارزشی ایجاد کنیم که بر مبنای آن ایده‌ی حقوق بشر مهم و زیر پا گذاشتن آن خطا باشد. آیا مصونیت آشکار ناقضان حقوق بشر نشان‌دهنده‌ی این است که این حقوق بی‌فایده‌اند یا برعکس مدرکی است دال بر اینکه حقوق بشر هنوز هم محکی است که بر اساس آن رفتار دولت‌ها را ارزیابی می‌کنیم؟ در هر دو حال، راه‌حل یکسان است: آنچه به آن نیاز داریم توجه بیشتر به حقوق بشر است و نه نادیده گرفتن آن. چالشی که با آن مواجه‌ایم این است که چگونه دولت‌ها را به انجام این کار متقاعد کنیم.

جنبش حقوق بشر باید بپذیرد که دیگر آن مرجعیت و اقتدار سابق را ندارد و با توجه به این که حقوق بشر برای دولت‌ها دیگر اولویت محسوب نمی‌شود، این جریان ادامه خواهد داشت. این ایده‌ی دولت‌های لیبرال هم که گروه‌های موقتی و خلق‌الساعه‌ای که برای رسیدگی به مسائلی خاص تشکیل می‌شوند می‌توانند بدیلی برای نهادهای بین‌المللی باشند با این خطر مواجه است که عرصه‌ی بیشتری را به قدرت‌های غیرلیبرال واگذار کند.

هدف اصلی اقدامات حقوق بشری همواره این بوده است که حکومت‌ها و دولت‌های ناقض حقوق بشر را هیولاهایی نشان دهد که باید مهار و رسوا شوند تا عاقبت کار درست را انجام دهند. اما این امر مبتنی بر حضور محرک‌ها و انگیزه‌هایی ساختاری در نظم بین‌الملل پساجنگ

بود، نظامی که اکنون رو به افول است. حقوق بشر برای این که بتواند تداوم پیدا کند باید راه‌هایی بیابد تا در میان کشورهای غیرغربی نیز راهنمایی پذیرفته‌شده در حوزه‌ی دیپلماسی به حساب آید.

مدافعان حقوق بشر نیز باید در نشان دادن این که احترام به حقوق بشر در نهایت باعث توانمند شدن، و نه تضعیف، دولت‌ها می‌شود بهتر عمل کنند و در کنار محکومیت‌ها، راه‌حل‌ها را نیز بیان کنند. این مبارزه‌ای است برای حفظ موضوعیت، امری که پیش‌شرط هرگونه تأثیرگذاری است.

بنا به دلایلی چند، می‌توان نسبت به تاب‌آوری اشتیاق و آرزوهای حقوق بشری در سراسر جهان امیدوار بود. هرچه باشد این اشتیاق برگرفته از ایده‌های انتزاعی منشور سازمان ملل یا نوعی هژمونی خیرخواهانه‌ی غربی نیست بلکه در بی‌عدالتی‌های مزمن و این واقعیت ریشه دارد که ما همگی انسانیم. اما اشتیاق و آرزو کافی نیستند. چالشی که پیش روی ما قرار دارد این است که چگونه راهی پیدا کنیم تا قبل از آن که خیلی دیر شود، این اشتیاق و آرزو را بدون آن که صرفاً متکی به حمایت غرب باشیم، در نظام بین‌الملل جاری کنیم.

برگردان: هامون نیشابوری

نیکلاس بکلین از همکاران ارشد مرکز پل تسای دانشکده‌ی حقوق دانشگاه ییل در چین است. او پیش‌تر در مقام مدیر منطقه‌ی آسیا در سازمان عفو بین‌الملل و به عنوان پژوهشگر ارشد در سازمان دیده‌بان حقوق بشر مشغول به کار بوده است. آنچه خواندید برگردان بخش‌هایی از این نوشته به زبان اصلی است:

Nicholas Bequelin, "[Human Rights on the Edge](#)", *The Idea Letter*, 23 January 2025.

عصر پساحقیقت: وقتی حقیقت در

جنگ روایت‌ها گم می‌شود

12 فوریه 2025

این زمانه را عصر پساحقیقت نامیده‌اند، دوره‌ای که دیگر نمی‌توان دروغ را به راحتی از راست تشخیص داد و تعیین معیاری برای تمایز دادن این دو از یکدیگر دشوار شده است. در این عصر، کاربران شبکه‌های اجتماعی ساعت‌ها درباره‌ی اخبار اظهار می‌کنند و به «شهروندان بیش‌فعال فراملی» تبدیل شده‌اند.

یورگن هابرماس، فیلسوف آلمانی، می‌گوید که ایجاد حوزه‌ی عمومی دموکراتیک با گسترش قهوه‌خانه‌ها در پایتخت‌های اروپایی مرتبط بود، جایی که مردان اروپایی جمع می‌شدند تا با هم قهوه بنوشند، روزنامه بخوانند و درباره‌ی اخبار روز گفت‌وگو کنند. به نظر هابرماس، سلامت دموکراتیک جوامع مدرن تنها به قانون اساسی آنها وابسته نیست بلکه به زیرساخت اطلاعات و بحث‌های عمومی بستگی دارد.

بنابراین، او حق رأی دادن را به تنهایی کافی نمی‌داند و عقیده دارد که باید فضای دموکراتیک برای تبادل نظر و گفت‌وگو درباره‌ی اخبار و رویدادها وجود داشته باشد.

تحول نظم‌های اطلاعاتی از قرن نوزدهم تا قرن بیستم

در قرن بیستم، نظم اطلاعاتی در دموکراسی‌های اروپایی، به ویژه در دو دوره‌ی مهم، تغییراتی اساسی را از سر گذراند: نخست، میان دو جنگ جهانی و سپس بعد از جنگ جهانی دوم، یعنی زمانی که منازعات بلوک‌های قدرت با جنگ‌های استعمارزدایی در مناطقی نظیر هندوچین، الجزایر، آنگولا و کوبا در هم تنیده شد. در این دوران، تبلیغات مدرن با استفاده از فناوری‌های جدیدی مانند سینما، رادیو و روزنامه‌نگاری



هرچند فیلسوفان مکتب فرانکفورت، همچون آدورنو و هورکهایمر، درباره‌ی سوءاستفاده‌ی طبقه‌ی حاکم از رسانه‌ها برای کنترل توده‌ها هشدار دادند، اما بدون رسانه‌های جدید، احساسات عمومی نمی‌توانست سیاست‌های امپریالیستی را به چالش بکشد. نمونه‌هایی مانند تصاویر شکنجه در زندان ابوغریب نشان داد که رسانه‌ها می‌توانند افکار عمومی را علیه سیاست‌های قدرت‌های بزرگ بسیج کنند.

تحقیقی گسترش یافت. در دهه‌ی ۱۹۵۰، قدرت‌های امپریالیستی برای حفظ نفوذ در مستعمرات سابق، به میزان چشمگیری در تبلیغات سرمایه‌گذاری کردند. آنها می‌خواستند نشان دهند که نظم جدید پساستعماری، همچنان وابسته به کشورهای استعمارگر باقی خواهد ماند و نباید انتظار داشت که مستعمرات سابق به‌طور کامل مستقل شوند.

اما در این دوره تصاویر هولناک جنگ، افکار عمومی دنیا را به شدت متأثر کرد و روشن شد که احساسات مردم از سیاست جدا نیست و به ابزاری کلیدی در جنگ اطلاعاتی تبدیل شده است.

نظم اطلاعاتی جدید در عصر دیجیتال و پساحقیقت

ظهور فناوری‌های دیجیتال، نظم اطلاعاتی جهانی را دگرگون کرده و مفهوم فضای عمومی را با پرسش مواجه کرده است. اکنون افراد به‌جای گفت‌وگو و تبادل اطلاعات در فضایی عمومی، در حباب‌های ارتباطی کوچک و فردمحوری محصور شده‌اند که بر اساس الگوریتم‌های شخصی‌سازی‌شده پدید می‌آید. این تغییر با افول روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و جایگزینی معیارهای کیفی با معیارهایی کمی مثل تعداد «کلیک»، «لایک» و «بازدید» هم راه شده است.

رشد بی‌سابقه‌ی شبکه‌های اجتماعی به افزایش اخبار جعلی، اطلاعات نادرست و نظریه‌های توطئه انجامیده است. در چنین شرایطی، بسیاری از کاربران بدون درک درست از صحت اخبار، مطالب را بازنشر می‌کنند و در نتیجه تمایز میان حقیقت و دروغ به تدریج از بین می‌رود. برخلاف تبلیغات رایج در دوران جنگ سرد که معطوف به تحریف آگاهانه‌ی حقیقت بود، اکنون بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی بی‌آنکه خود بدانند اطلاعات جعلی و نادرستی را منتشر می‌کنند.

هری فرانکفورت، فیلسوف فقید آمریکایی، در توصیف این وضعیت اصطلاح «مهم‌ل‌گویی/ مزخرف‌گویی» را به کار می‌برد؛ وقتی که اطلاعات نه بر اساس صحت آنها بلکه به منظور ایجاد واکنش‌های احساسی و جلب توجه ارائه می‌شود. در عصر پساحقیقت، نه‌تنها تشخیص حقیقت دشوار شده بلکه خود حقیقت هم بی‌اعتبار شده و این بی‌اعتباری به نوعی هنجار تبدیل شده است. در نتیجه، با تناقض بزرگی مواجه‌ایم: از یک سو، میلیون‌ها نفر وقت خود را صرف تشخیص حقیقت از دروغ می‌کنند، و از سوی دیگر، بسیاری اصولاً چنین تمایزی را بی‌اهمیت می‌دانند.

در این نظم جدید، تحلیل و استدلال منطقی جای خود را به احساسات زودگذر، هیبت‌محوری اغراق‌آمیز و جلوه‌های تصویری‌ای نظیر «میم‌ها» داده است. اکنون اطلاعات نه برای کمک به درک عمیق‌تر بلکه برای ایجاد رضایت ذهنی و تقویت و تأیید پیش‌داوری‌های کاربران تولید می‌شود. در چنین شرایطی، آگاهی

تاریخی کمرنگ شده و روایت‌های زودگذر و آکنده از احساسات بر فضای اطلاعاتی مسلط شده‌اند.

رهبران خودکامه چگونه در کارزارهای اطلاعاتی می‌جنگند؟

حکومت‌ها یگانه نقش‌آفرینان کارزارهای ترویج اطلاعات گمراه‌کننده نیستند. گروه‌های متعدد دیگری، از جمله احزاب سیاسی، گروه‌های تروریستی، هکرها، شرکت‌های تجاری، فعالان و سازمان‌های جامعه مدنی نیز به این کار مشغول‌اند. با این حال، حکومت‌ها نقش فزاینده‌ای در گسترش اطلاعات غلط دارند.

در واقع، نوعی نیهیلیسم معرفتی (epistemological nihilism) بر جهان حاکم شده که وجود حقیقت عینی را انکار می‌کند و معتقد است که تمام باورها و دانش‌ها نسبی و نامطمئن یا برساخته‌ی قدرت و منافع‌اند.

رهبران خودکامه و رژیم‌های غیردموکراتیک دنیا با سوءاستفاده از نیهیلیسم معرفتی، از نظارت و پاسخ‌گویی، مثلاً در زمینه‌ی حقوق بشر، شانه خالی می‌کنند. این حکومت‌ها با گسترش اطلاعات غلط و گمراه‌کننده، نوعی هرج‌ومرج در خارج از مرزهای خود ایجاد می‌کنند و از بی‌توجهی شبکه‌های اجتماعی به درستی و نادرستی اطلاعات و از میل آنها به برانگیختن احساسات و دوقطبی‌سازی فضا بهره می‌برند.

معمولاً مداخله‌ی روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ ایالات متحده را نقطه‌ی آغاز کارزارهای مدرن ترویج اطلاعات گمراه‌کننده می‌دانند. دیگر کارزارهای روسیه به قصد دامن زدن به اختلافات اجتماعی و تشدید تنش‌های سیاسی، به‌ویژه از طریق حمایت از کارزار برگزیت در بریتانیا یا جنبش استقلال‌طلبی کاتالونیا، اروپا را هدف قرار داده‌اند.

یوگنی پریگوژین، تاجر روس و فرماندهی شبه‌نظامیان واگنر که زمانی از نزدیکان پوتین بود و بعد مغضوب و کشته شد، در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ در کارزارهای ترویج اطلاعات غلط علیه لیبی مشارکتی فعال داشت.

این کارزارها می‌کوشند تا با تکیه بر خشم و کینه و هراس مردم، قواعد و قراردادهای اجتماعی بنیادین نظام‌های لیبرال-دموکراتیک را تضعیف کنند و به بدبینی، سوءظن بیمارگونه و بی‌اعتمادی در جامعه دامن بزنند. بخش عمده‌ای از تلاش حکومت‌ها

برای انتشار اطلاعات گمراه‌کننده همچنان معطوف به مخاطبان داخلی است و هدف از آن نقض حقوق بشر، بی‌اعتبار کردن مخالفان سیاسی و سرکوب کردن اعتراضات است. این حکومت‌ها اغلب از مأموران سابق سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی که تغییر شغل داده‌اند یا از شرکت‌های روابط عمومی استفاده می‌کنند تا پیام‌ها و گفت‌وگوهای کاربران را آلوده کنند. آنها به دیدگاه‌های متفاوت حمله می‌کنند، مخالفان خود را بی‌اعتبار می‌سازند و از طریق استروترفینگ (ایجاد موج‌های ظاهراً خودجوش پیرامون مضامین مبتنی بر احساسات منفی) پیام‌های کلیشه‌ای را تکرار می‌کنند.

روسیه تنها کشوری نیست که از اطلاعات غلط و گمراه‌کننده به‌عنوان ابزاری در سیاست بین‌المللی استفاده می‌کند. ایران، عربستان سعودی، فیلیپین، کره‌ی شمالی و چین نیز در این حوزه فعال‌اند. برای مثال، عربستان سعودی از سال ۲۰۱۷ تا کنون هزاران حساب جعلی در توئیتر ایجاد کرده تا اخبار گمراه‌کننده‌ای را علیه قطر منتشر کند. بسیاری از این حساب‌ها هویت قطری‌های معروف را جعل کرده‌اند. در سال‌های اخیر نفرت‌پراکنی و انتشار اطلاعات جعلی در حساب‌های کاربری شخصیت‌های معروف اروپایی و آمریکایی هم رو به افزایش بوده است.

هوش مصنوعی و خطر افزایش اطلاعات غلط

با پیشرفت و پیچیده‌تر شدن هوش مصنوعی، احتمالاً تأثیرات مخرب کارزارهای ترویج اطلاعات گمراه‌کننده نیز افزایش خواهد یافت. ابزارهایی مانند «جعل عمیق» و مدل‌های زبانی پیشرفته، تولید اطلاعات جعلی را تسهیل می‌کنند و امکان انتشار گسترده‌ی اطلاعات نادرست را فراهم می‌آورند.

تا چند سال قبل، چین بیشتر از تبلیغات سنتی و قدرت نرم برای تأثیرگذاری استفاده می‌کرد اما از زمان اعتراضات هنگ‌کنگ و همه‌گیری کووید-۱۹، این کشور هم به‌طور فزاینده‌ای به گسترش اطلاعات غلط در سطح جهانی روی آورده است.

ایران در میانه‌ی میدان

شبکه‌های اجتماعی به میدان جنگ اطلاعاتی گسترده‌ای میان مخالفان و حامیان جمهوری اسلامی تبدیل شده‌اند. هر رویدادی، از اعتراضات داخلی تا سیاست‌های خارجی، به بستری برای انتشار روایت‌های متناقض، جنگ هشتگ‌ها و دستکاری اطلاعات تبدیل شده است. مخالفان جمهوری اسلامی، به‌رغم دشمن مشترک، بر سر مسائل مهمی مثل رهبری اپوزیسیون، نقش قدرت‌های خارجی، علل و چگونگی وقوع انقلاب ۵۷، استراتژی‌های مبارزه و آینده‌ی سیاسی ایران اختلافات عمیقی دارند. اختلافات شدید در شبکه‌های اجتماعی از ایجاد یک جبهه‌ی متحد جلوگیری کرده و تقابل‌های درونی و جنگ روایت‌ها میان مخالفان را به نوعی بحران تبدیل کرده است. از یک طرف، گروه‌های مخالف حکومت برای ترویج هشتگ‌های ضدحکومتی تلاش می‌کنند و از طرف دیگر، حامیان جمهوری اسلامی با استفاده از ربات‌ها و حساب‌های جعلی، هشتگ‌هایی در حمایت از جمهوری اسلامی را رواج می‌دهند.

در اعتراضات سال ۱۴۰۱، مخالفان جمهوری اسلامی در توئیت‌ها و اینستاگرام از هشتگ‌های محبوبی نظیر #مهسا_امینی و #زن_زندگی_آزادی برای انتشار اخبار و فشار بر دولت‌های خارجی استفاده می‌کردند، درحالی‌که رسانه‌ها و حامیان حکومت این اعتراضات را اغتشاش و توطئه‌ی اسرائیل و آمریکا می‌خواندند.

دستکاری اطلاعات درباره‌ی سیاست‌های خارجی ایران نیز بخشی از این جنگ اطلاعاتی است. برای مثال، مخالفان حکومت برجام را ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به جمهوری اسلامی و تأخیر در فروپاشی آن می‌دانستند اما رسانه‌های دولتی آن را نمونه‌ای از پیروزی دیپلماسی ایران و نشانه‌ی ضعف آمریکا معرفی می‌کردند.

هری فرانکفورت، فیلسوف فقید آمریکایی، در توصیف این وضعیت اصطلاح «مهم‌ل‌گویی/ مزخرف‌گویی» را به کار می‌برد: وقتی که اطلاعات نه بر اساس صحت آنها بلکه به منظور ایجاد واکنش‌های احساسی و جلب توجه ارائه می‌شود.

پس از سوءقصد به جان سلمان

رشدی در سال ۲۰۲۲، کاربران ایرانی در توئیت‌ها به دو گروه تقسیم شدند: مخالفان حکومت این حمله را نشانه‌ای از خشونت‌طلبی جمهوری اسلامی و سرکوب آزادی بیان دانستند، اما بسیاری از کاربران حامی حکومت از مهاجم حمایت کردند و او را قهرمان خواندند.

در جریان جنگ غزه پس از حمله‌ی حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، یکی از گسترده‌ترین نبردهای اطلاعاتی میان کاربران ایرانی در گرفت. بسیاری این جنگ را معلول مداخله‌ی مستقیم ایران دانستند و گروهی دیگر حملات حماس را «پاسخی مشروع به جنایت‌های اسرائیل» معرفی کردند.

اعدام‌های سیاسی و واکنش به آنها در شبکه‌های اجتماعی نمونه‌ی دیگری از این نبرد اطلاعاتی است. در مواردی مانند اعدام نوید افکاری، روح‌الله زم و محسن شکاری، مخالفان حکومت این اعدام‌ها را نقض فاحش آزادی بیان و حقوق بشر خواندند و کوشیدند تا از طریق فشار رسانه‌ای از اعدام زندانیان سیاسی جلوگیری کنند، اما رسانه‌های حکومتی این افراد را عوامل دشمن و تروریست خواندند و تلاش کردند که اعدام آنها را اقدامی قانونی جلوه دهند.

جنگ اطلاعاتی تنها به تقابل میان موافقان و مخالفان حکومت محدود نمی‌شود و اختلافات میان خود مخالفان نیز به مشکلی جدی تبدیل شده است. برای مثال می‌توان به مناقشه‌های شدید درباره‌ی نقش رسانه‌ها و چهره‌های مختلف اپوزیسیون، مطالبات گروه‌های قومی و منازعه‌ی اسرائیل و فلسطین اشاره کرد که رد پای نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و حساب‌های جعلی ارتش سایبری در آن مشهود است.

مسئولیت‌پذیری شبکه‌های اجتماعی در نظم جدید اطلاعاتی

شبکه‌های اجتماعی با جمع‌آوری گسترده‌ی داده‌های شخصی نوعی «سرماپه‌داری نظارتی» پدید آورده‌اند که هم به کنترل شهروندان توسط دولت‌های غیردموکراتیک کمک می‌کند و هم مانعی در برابر سیاست‌های مترقی در جوامع دموکراتیک است.

سرماپه‌داران دیجیتال با نفوذ در سیاست‌گذاری و صرف مبالغ هنگفت برای اعمال نفوذ، این تصور را رواج داده‌اند که دسترسی آن‌ها به

داده‌های کاربران امری اجتناب‌ناپذیر است. این داده‌ها گاهی در اختیار حکومت‌هایی قرار می‌گیرد که از آنها برای تبلیغات هدفمند یا سرکوب مخالفان سیاسی استفاده می‌کنند. با این حال، برخی رویدادها نشان می‌دهد که دموکراسی‌ها در صورت وجود اراده‌ی سیاسی می‌توانند قدرت فناوری‌های اطلاعاتی را مهار یا تعدیل کنند. پس از رسوایی کیمبرج آنالیتیکا و افشای نقش فیس‌بوک در جمع‌آوری اطلاعات کاربران و استفاده از این داده‌ها برای تأثیرگذاری بر انتخابات، مارک زاکربرگ مجبور شد که در برابر کنگره‌ی ایالات متحده حاضر شود و به پرسش‌ها پاسخ دهد.

این نشان داد که دولت‌ها، در صورت تمایل، می‌توانند شرکت‌های فناوری را پاسخگو کنند. اگر مالکان شبکه‌های اجتماعی در قبال الگوهای تجاری خود پاسخگو شوند، می‌توان از سوءاستفاده از داده‌ها و فروش آنها به سازمان‌های اطلاعاتی و شرکت‌های تجاری، و همکاری این رسانه‌ها با رژیم‌های خودکامه برای شکل دادن به افکار عمومی و دستکاری در انتخابات جلوگیری کرد.

دموکراسی‌های لیبرال خود را به آزادی بیان و روزنامه‌نگاری حرفه‌ای متعهد می‌دانند و برای مقابله با ترویج اطلاعات گمراه‌کننده ظرفیت زیادی دارند، اما ظهور رهبران پوپولیست، به‌ویژه در آمریکا و اروپا، و قدرت گرفتن مالکان میلیاردر شرکت‌های فناوری، این ظرفیت را به میزان چشمگیری کاهش داده است. برای مثال، می‌توان به کاهش نظارت بر محتوای ایکس (توئیت) و فیس‌بوک اشاره کرد. اکنون مقابله با این چالش‌ها به‌شدت دشوارتر شده و چنین کاری محتاج نوآوری و راهکارهای ابتکاری است.

«انرژی تاریک» و کشفی که می‌تواند نظریه اینشتین را به چالش بکشد

خواهد شد.

اما، مشاهدات دانشمندان آمریکایی و استرالیایی نشان داد که انبساط جهان نه تنها کند نمی‌شود، بلکه رو به شتاب گرفتن است. از آنجا که هیچ توضیحی برای نیروی عامل این پدیده نداشتند، آن را «انرژی تاریک» نامیدند تا ناآگاهی‌شان درباره ماهیت آن را نشان دهند.

ماهیت انرژی تاریک همچنان ناشناخته است و یکی از بزرگ‌ترین معماهای علم به‌شمار می‌رود، اما اخترشناسان می‌توانند آن را اندازه‌گیری کنند و با بررسی شتاب دور شدن کهکشان‌ها از یکدیگر در دوره‌های مختلف تاریخ کیهان، تغییرات احتمالی آن را بسنجند.

چندین آزمایش برای یافتن پاسخ این معما طراحی و اجرا شده، از جمله ابزار طیف‌سنجی انرژی تاریک (DESI) که در رصدخانه ملی کیت پیک، در نزدیکی توسان آریزونا است. این سیستم شامل ۵۰۰۰ فیبر نوری است که هر کدام به صورت رباتیک



توضیح تصویر، نیرویی که کهکشان‌ها را از هم دور می‌کند، رفتاری متفاوت با نظریه‌های علمی دارد

۱۷ فروردین ۱۴۰۴ - ۶ آوریل ۲۰۲۵

او به بی‌بی‌سی گفت: «این لحظه‌ای سرنوشت‌ساز است. شاید در آستانه تغییری بنیادین در فهم خود از جهان باشیم.»

دانشمندان به شواهدی دست یافته‌اند که نشان می‌دهد «انرژی تاریک»، نیرویی مرموز و ناشناخته که موجب انبساط جهان می‌شود، ممکن است در طول زمان دستخوش تغییر شود.

این یافته اولیه، با نظریه کنونی که آلبرت اینشتین در شکل‌گیری آن نقش داشته است، در تضاد است.

برای تایید این یافته‌ها به داده‌های بیشتری نیاز است، اما شور و هیجان در میان دانشمندانی که روی این پژوهش کار می‌کنند، رو به افزایش است.

برخی از دانشمندان بر این باورند که ممکن است در آستانه یکی از بزرگ‌ترین کشفیات نجومی نسل حاضر باشیم؛ کشفی که می‌تواند ما را ناگزیر به بازنگری اساسی در فهم‌مان از جهان، از جمله ماهیت بنیادی فضا و زمان، کند.

حتی برخی از محتاط‌ترین و معتبرترین محققان این پژوهش، از جمله پروفیسور اوپر لهاو از کالج دانشگاهی لندن، تحت تاثیر شواهدی قرار گرفته‌اند که پیوسته در حال افزایش است.



توضیح تصویر، ابزار طیف‌سنجی انرژی تاریک دارای ۵۰۰۰ فیبر نوری است که هر کدام نقش یک تلسکوپ کوچک را ایفا می‌کنند

کنترل می‌شوند و مانند تلسکوپ‌های کوچکی با سرعت بالا کهکشان‌ها را اسکن می‌کنند.

کشف انرژی تاریک در سال ۱۹۹۸ به خودی خود شگفت‌انگیز بود. تا پیش از آن تصور می‌شد که پس از بیگ‌بنگ، که جهان را به وجود آورد، انبساط جهان تحت تاثیر نیروی گرانش کند

سال گذشته، که پژوهشگران این سامانه نشانه‌هایی یافتند که حاکی از تغییر نیروی ناشی از انرژی تاریک در گذر زمان بود، بسیاری از دانشمندان آن را صرفاً یک ناهنجاری در داده‌ها تلقی کردند که احتمالاً برطرف خواهد شد.

اما پس از گذشت یک سال، آن ناهنجاری نه تنها از بین نرفته، بلکه بزرگ‌تر شده است.

پروفسور سشادری ناداتور از دانشگاه پورتسموث

می‌گوید: «اکنون

شما خواهید از

گذشته قوی‌تر

شده است.»

او می‌گوید: «ما

در مقایسه با

سال نخست،

آزمایش‌های

بیشتری انجام

داده‌ایم و این

آزمایش‌ها ما را

مطمئن می‌کند

که این نتایج

ناشی از عاملی

ناشناخته در

داده‌ها نیست

که از نظر دور

مانده باشد.»

جدید بودند، کسی از درستی آن‌ها مطمئن نبود و بسیاری معتقد بودند

که به تحقیقات بیشتری نیاز است.»

«اما حالا که داده‌های بیشتری در

دست داریم و جامعه علمی آن‌ها را با

دقت بررسی می‌کند، هنوز این امکان

وجود دارد که آن ناهنجاری از بین

برود، اما در عین حال ممکن است در

آستانه کشفی عظیم باشیم.»

علت این تغییرات چیست؟

پروفسور لهاو با خنده اذعان می‌کند:



توضیح تصویر، طراحی از تلسکوپ فضایی «اقلیدس» اروپا که به گردآوری داده‌هایی درباره رفتار انرژی تاریک خواهد پرداخت

قطعی درباره درستی این مشاهدات برسد.

آندری کوچو، پژوهشگر پسادکتری در

آزمایشگاه ملی لارنس برکلی در

کالیفرنیا، می‌گوید: «کار ما این است

که به کیهان فرصت دهیم خودش

نحوه کارکردش را به ما نشان دهد، و

شاید حالا دارد به ما می‌گوید که

پیچیده‌تر از آن چیزی است که گمان

می‌کردیم.»

ماموریت «اقلیدس» (Euclid) آژانس

فضایی اروپا،

جزئیات بیشتری

از ماهیت انرژی

تاریک ارائه

خواهد داد. این

تلسکوپ

فضایی، در

مقایسه با

DESI، مناطق

دورتری را کاوش

کرده و داده‌هایی

با دقت بیشتر

ثبت خواهد کرد.

«اقلیدس» در

سال ۲۰۲۳ به

فضا پرتاب شد و

آژانس فضایی

اروپا تصاویر

جدیدی را که این

فضاپیما ارسال

کرده است، منتشر کرد.

پروژه DESI با مشارکت بیش از ۹۰۰

پژوهشگر از بیش از ۷۰ موسسه در

سراسر جهان انجام می‌شود که از

جمله آن‌ها می‌توان به دانشگاه‌های

دورهام، کالج دانشگاهی لندن و

پورتسموث از بریتانیا اشاره کرد.

«هیچ‌کس نمی‌داند!»

«اگر این نتیجه جدید درست باشد،

باید سازوکاری را که موجب این تغییر

می‌شود، پیدا کنیم و این ممکن است

به یک نظریه کاملاً جدید منجر شود،

که همین موضوع آن را بسیار

هیجان‌انگیز می‌کند.»

سامانه DESI طی دو سال آینده به

جمع‌آوری داده‌های بیشتر ادامه

خواهد داد و در تلاش است با

اندازه‌گیری حدود ۵۰ میلیون کهکشان

و سایر اجرام درخشان، به نتیجه‌ای

نتایج «عجیب و غریب»

این داده‌ها هنوز به آستانه‌ای نرسیده

که بتوان آن را یک کشف علمی به

شمار آورد، اما نظر بسیاری از

اخترشناسان را به خود جلب کرده

است، از جمله پروفسور کاترین

هیمنز، اخترشناس سلطنتی

اسکاتلند از دانشگاه ادینبورگ.

او به بی‌بی‌سی می‌گوید: «انرژی

تاریک گویا از آنچه تاکنون فکر

می‌کردیم هم عجیب‌وغریب‌تر است.»

«در سال ۲۰۲۴، این داده‌ها کاملاً

نه به اعدام

